

خشم فقیهانه از آیات شیطانی

خودشان را آماده کرده بودند که اظهار تاسف سلمان رشدی را بعنوان "پیروزی بزرگ امام و امت" (از نوع پیروزی در قضیه گروگانها و پیروزی در جنگ) به خورد حزب الله بدهند. یکی حتی از این "توفیق" آنقدر دستپاچه شد که زودتر از اینکه اذنش از دربار برسد، خبر پذیرش توبه آن ملعون را از خبرگزاری و رادیو پخش کرد. یارو را خیلی زود سر جایش نشاند و گفتند یک فلتی کرده، نظر امام همان اعدام است.

کتاب "آیات شیطانی" در سپتامبر ۱۹۸۸ منتشر شد و نخستین واکنش ما را، اندکی بعد در خود انگلیس برانگیخت. آخوندهای مقیم انگلیس، تلاش زیادی کردند که دولت تاجر، این کتاب را ممنوع کند. در کشورهای سرمایه داری، هنوز قانون منع "کفرگویی" وجود دارد، اما این قانون فقط شامل "اهانت" به مسیح و دین او است و تازه آن هم دیگر عملاً اجرا نمی شود. سطح رشد فرهنگ عمومی در این کشورها اجازه نمی دهد دایره شمول این قانون را که خود، در همین حد موجودش هم بازمانده‌ای از تاریخ تاریک گذشته است، گسترش دهند. از این رو، تلاش حزب الله انگلیس برای جلوگیری از ادامه انتشار کتاب نافرجام ماند.

"سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان هم گردد بر هر مسلمان واجب است با جان و مال، تمامی هم خود رابه کارگیرد تا او را به درک واصل گرداند." این کلام صریح "آقا"، آب پاکی را روی دست رئیس‌جمهورش و بقیه اراذل ریخت. خامنه‌ای به امت نماز جمعه گفته بود هذرخواهی نویسنده آیات شیطانی، مقبول درگاه جماران خواهد بود. وقتی در آخرین ساعات یکشنبه ۳۰ بهمن، خلیفه فرتوت، حرف آخرش را زد، فقط خامنه‌ای نبود که سنگ روی یخ شد. بسا حضرات "واقع بین" که انگشت به دهان گزیدند که باز این پیرمرد کار دست ماداد.

دستگاههای تبلیغاتی در کدام شیپور بنازند، رابطه با همسایگان و خاصه جهان عرب چگونه تنظیم شود، سطح رابطه با جهان قرب و نیز اتحاد شوروی چگونه باشد، و بالاخره در سیاست خارجی و نیز روابط اقتصادی خارجی چه هدفیایی دنبال گردد. جنگ که پایان یافت این عامل اساسی کنار رفت و بحرانی را پدید آورد که هم در فقدان این عامل و هم در آثار این عامل ریشه داشت. جنگ هشت ساله، نقش یک عامل تنظیم‌کننده (رگولاتور) را ایفا می کرد. نبود آن حتی نظام ارزشگذاری حکومت را دچار اختلال ساخت. جنگ متوقف شد، اما آثار آن پابرجا ماندند: اقتصادی ویران، کشوری بقیه در صحنه ۲

آیات شیطانی چه کتابی است؟
در صحنه ۹

مصاحبه‌ای با سلمان رشدی
"من کتاب خود را برای آخوندها نوشته‌ام"
در صحنه ۸

طنین فریاد مرگ بر خمینی جلاد رساتر باد!

افشای تبعاریهای رژیم خونخوار خمینی را پی گرفت. برای مردم بلاکشیده میهن ما، درنگ ایرانیان مقیم خارج، پذیرفتنی نیست.

طنین فریاد مرگ بر خمینی جلاد رساتر باد.

افشای این جنایت هولناک رژیم فقعا صورت گرفت، اثر نیرومندی در بسیج افکار عمومی جهان بر جای گذاشت. چه بخاطر بعد فاجعه و چهار اینرو که اکنون خمینی بخاطر دعوت آشکار به ترور، در مرکز توجه رسانه‌ها قرار دارد، باید هر چه پر دامنه‌تر

تظاهرات، اعتصابات و افشاگریهایی که در خارج از کشور همزمان با کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران آغاز گردید، در گوشه و کنار جهان ادامه دارد. حرکتی که توسط ایرانیان مقیم خارج، سازمانها و احزاب سیاسی و تشکل‌های دموکراتیک در



صحنه‌ای از تظاهرات گروهی از ایرانیان مقیم رم - ایتالیا در برابر سفارت رژیم جمهوری اسلامی

اکبر

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۶۷ برابر با ۲۷ فوریه ۱۹۸۹
بعنا ۶۰۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۴۷

پیام تازه خمینی: تعیین راه و روش حال و آینده جمهوری اسلامی

نخست توضیحی در مورد عنوان این مقاله: با گفتن این که مضمون پیام سوم اسفند/خمینی تعیین راه و روش حال و آینده جمهوری اسلامی است، بلافاصله این پرسش مطرح می شود که: مگر رژیم اسلامی راه و روش روشنی نداشت که پیام تازه‌ای از جماران نازل شد، تا حکومتگران بدانند بر چه سیاقی باید حکومت کنند؟ رای و روش حکومتگران به دلیل ماهیت و روش حکومتگران به دلیل ماهیت روشن است و روشن بودن این پیام بدین لحاظ چیزی را تعیین نمیکند. خود پیام از تعیینی برمی خیزد که همانا حکومت فقه و فقه و ماهیت ضد مردمی آن است.

هدف پیام تازه، پاسخگویی به بحران ویژه‌ای است که جمهوری اسلامی پس از آن که خمینی جام زهر آکین صلح را سر کشید، بدان دچار شد. تا قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، جنگ هاملی اساسی در تعیین راه و روش حکومتگران بود. جنگ از یکسو بحران پدید می آورد و به بحران هادامن می زد - در همه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی - و از طرف دیگر خود مشخص می کرد که به بحران ها چگونه پاسخ داده شود. جنگ مشخص می کرد که بودجه باید چگونه تقسیم شود، دستگاه نظامی چه مشغولیتی داشته باشد، برای حزب الله چه وظایفی تعیین گردد، یک مبنای مهم اتحاد جناحهای حکومتی چه باشد.

در این شماره

یاد تو ماج و هم‌زمان گرامی باد
در صحنه آخر

رژیم فقها، خشن‌ترین شکل تبعیضات مذهبی را اعمال می کند
در صحنه آخر

انقلاب فرانسه، سر آغاز عصری جدید
در صحنه ۱۱

پیام تازه خمینی:

تعیین راه و روش حال و آینده جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

جنگ زده، یک توده وسیع دافدار، و بالاخره حزب الله ناکام، بنابر برآورد متخصصین اقتصاد ایران، برای این که اقتصاد کشور بتواند نفس بگیرد، سالانه به ۱۵ میلیارد دلار نیازمند است (نیورزیک - ۲۷ فوریه ۱۹۸۹). این رقم وقتی با توان اقتصادی فعلی حکومت فقها سنجیده شود، نشان میدهد که فقها در عرصه اقتصاد با چه مشکلات عظیمی مواجه اند؛ و این تازه یک عرصه است.

با پایان جنگ حزب الله دچار اختلال روانی شد و اعتماد به نفس خود را از دست داد. حتی رابطه امام با امتش دچار بحران گردید. حال چه باید کرد؟ این پرسش به شدت اذهان همه دولتمردان را تحت فشار قرار داده بود:

- آیا باید شعارهای جنگی را به تمامی کنار نهاد؟

آیا باید صدور انقلاب اسلامی را به دست فراموشی سپرد؟

آیا باید "عاقل" تر شد و "مصلحت" ها را در نظر گرفت؟

چگونه باید از "انزوا" به در آمد؟

در سیاست بین المللی چه روشی را باید پیشه کرد؟

روابط اقتصادی با غرب را تا چه حد گسترش داد؟ برای امتیاز گرفتن چقدر باید امتیاز داد؟

چرا نباید با آمریکا تجدید رابطه کرد؟

آیا باید به حالت جنگی در داخل پایان داد؟

اولویتهای اقتصادی کدامند؟

نقش سرمایه های خصوصی تا به کجاست؟

آیا باید از خارج وام گرفت؟

"تعهد" مقدم است یا "تخصص"؟ نظام ارزشیابی چیست؟

با نارضایتی توده های چه باید کرد؟ بیشتر از اینها باید کشت؟

کلا با آینده تیره و تار و بیم انفجارهای توده های چه باید کرد؟

برای اختلافات درون حکومت چه چاره های باید اندیشید؟

چگونه باید نیروی حمایتگر خود را در حالت بسیج نگه داشت و

حزب الله را "شارژ" کرد؟

همچنان می توان بدین فهرست افزود. در حکومت هر کسی برای این پرسش پاسخی خودش را داشت. از دهان دولتمردان بسی پاسخی متناقض شنیده میشد. خلیفه چهارم خط خمینی را ارائه نمی کرد، بندبازی های خود را بین جناحهای مختلف ادامه میداد و مدام خطبه وحدت می خواند. اما تا کی؟ جایی رسید که هر کس ساز خود را می زد. در این میان منتظری هم نواهای خاصی سر داده بود. و نیز شایعاتی پخش می شد تا حد سپردن مقام نخست وزیری به عزت الله سبحانی.

با این مقدمه، باید منظور ما از تعیین "راه و روش" روشن شده باشد. از مدت ها قبل گفته می شد که خمینی در ۲۲ بهمن خط نجایی را به امتش خوانید داد. خمینی "طبق معمول سنواتی" برای سالگرد انقلاب، پیامی نفرستاد. هلتش مشخص نیست. اما بالاخره پیام نازل شد و نزول آن ربط بنیادی به قضیه "سلمان رشدی" ندارد. این قضیه، شاید کارکردی انگیزشی داشته باشد، چرا که به هر حال آنچنان که در پیام خود خمینی مستتر است نحوه برخورد با آن محکی بود برای سنجش عیار "راست آئینی" و (پایبندی ارتدکسان به اصول) و "مصلحت گرای" (پراگماتیسم) در باور حکومتیان.

مضامین پیام

مخاطب پیام ۳ اسفند خمینی، جماعت آخوندانست. بخش اول پیام به توصیف و تمجید از آخوندها اختصاص دارد. در آن ادعا می شود که "روحانیون دستشان با سرمایه دارها یک کاسه نیست" و بالاخره این که "کتاب آیات شیطانی کاری حساب شده برای زدن ریشه اسلام و روحانیت است". در ادامه به مقدس مآب های احمق "و حجیه ایها" حمله می شود و نیز ذکری از "شریعتمداری" به میان می آید. در همین قسمت نسبت به خطی که می گوید "دین از سیاست

حداست" بشدار داده می شود، گفته می شود که "این شعار در حوزه علمیه کارگر شده است" و "باید توجه داشت که این تفکر در طلاب جوان نفوذ نکنند" بخش بعدی پیام اشارات روشنی به سخنان منتظری بمناسبت ۲۲ بهمن دارد (به صفحه ۴ مراجعه کنید) خمینی در این بخش از پیام خود شدیداً به کسانی که می گویند "انقلاب در اصول و اهداف خود موفق نبوده" حمله ور شده و می گوید: انقلاب اسلامی در اکثر اهداف خود موفق بوده است و "حتی در جنگ پیروزی نصیب ما گردید"، "ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر کردیم، جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام نشدنی است". خمینی در اینجا کسانی را که می گویند "در جنگ به هدف نمایی خود نرسیده ایم"، "کوته نظر نامیده و تاکید میکند "مادر جنگ یک لحظه نیز نادم و پشیمان نیستیم".

خمینی در پیام خود هلت "تحلیلهای غلط این روزها را" کسب "رضایت چند لیبرال خود فروخته" می داند و موکدا می گوید "نباید این احساس در حزب الله ایجاد شود که گویا نظام از مواضع خود عدول کرده است". خمینی در ادامه ضمن انتقاد از "بعضی تصمیمات اولیه در دادن پستها به کسانی که به اسلام ناب محمدی اعتقاد نداشتند" و این که "ما هنوز چوب اعتماد خود به گروهها و لیبرالهای خوریم" با تاکید ویژه ای می گوید: "تا من بستم نمی گذارم حکومت به دست لیبرالها بیفتد".

خمینی در همین بخش از پیام خود به بحثی که در دستگاه حکومتی حول دادن باصطلاح "همو همومی" به ایرانیان مقیم خارج از کشور" جریان دارد اشاره کرده و تاکید می کند: "آهوش برای بازگشت باز است، اما کسی نباید طلبکار باشد" و مثلاً روی اهدامها "ایراد بگیرد"، "احکام الهی نباید زیر سوال برود".

بخش بعدی پیام به قضیه اختلاف بر سر "نقشه سنتی" و "نقشه اجتهادی و پویا" اختصاص دارد.

خمینی در این قسمت می گوید "نقشه، تئوری هدایت جامعه از کمپوزه تا گور است"، وی در این قسمت ابتدا از "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" به عنوان مدافعین نقش سنتی تمجید کرده و از "طلاب انقلابی" می خواهد وحدت خود را با آنها حفظ کنند. خمینی در این بخش از پیام ضمن تاکید بر این که "همه جناحها را فرزند خود میدانم" می نویسد "این جانب معتقد به نقش سنتی و اجتهاد جواهری هستم". در ادامه مفهوم "اجتهاد" را برجسته کرده و می نویسد باید به دو عنصر زمان و مکان توجه داشت و در نظر گرفت که "موضوع جدید حکم جدیدی را می طلبد".

بخش بعدی پیام خمینی خط سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تعیین می کند. خمینی در این قسمت ابتدا به تصمیم اخیر کشورهای عضو بازار مشترک اروپا مبنی بر فراخواندن سفیرانشان از ایران حمله ور شده و سپس ضمن اشاره ای مجدد به ماجرای "سلمان رشدی" می نویسد: "ضرورتی نیست که دنبال روابط گسترده باشیم". وی در این قسمت مجدداً کسانی را که می گویند "شعارهای تند در جنگ باعث انزوا شده است" ساده اندیش خوانده و به شدت بداندان می تازد.

خمینی در بخش آخر پیام خود از آخوندها می خواهد بیشتر مسئولیت بگیرند و به بهانه درس حوزه ای، از گرفتن مسئولیت دولتی خاصه در دستگاه قضایی، خودداری نورزند.

در این پیام جای جای به ضرورت حفظ وحدت در دستگاه حکومتی و فرمانبرداری از مسئولین اشاره شده و بشدار داده می شود که اگر بحران بالا گیرد: "شبی تاریک در پیش است و بیم موج و گردابی چنین هایل".

تا چه حد تکلیف

حکومتگران روشن شد؟

پیام خمینی در درجه نخست بر روی جایگاه ویژه روحانیت و نقشه در حکومت اسلامی تاکید دارد. خمینی در این پیام همچنان بر روی پایه تمام ارزشگذاری ها و ارزشیابی ها در حکومت اسلامی تاکید کرده و وجه فقهاتی حکومت و ضرورت حفظ و استمرار این وجه از دستگاه حاکمه را برجستگی خاصی می بخشد. او می گوید که

تمام وجوه دیگر باید تحت الشعاع این وجه ممیزه حکومت اسلامی باشند. چنین تاکیدی، تازه نیست و اصولاً چنین تاکیدی مشخصه اساسی "خط امام" است. خمینی می گوید همه مصلحت طلبی ها باید در چارچوب این وجه بنیادی باشند. در نظر گرفتن مصلحت ها مجاز است و سنت "اجتهاد جواهری" است، اما تا جایی که حریم و حرمت "فقه سنتی" حفظ شود. آیا این امر به اختلاف دو جناح طرفدار "فقه سنتی" و "فقه پویا" پایان می دهد؟ نه چندان. حال این مساله پیش می آید که سخنان ولی فقیه را چگونه باید تفسیر کرد. اما امت خمینی، با این پیام اندکی از بلاتکلیفی فقهی خارج شد. خمینی در بحث بر سر دو گونه فقه، جانب و سطر ا گرفت و میدان بیشتری برای کسانی چون رفسنجانی باز کرد. البته با این پیام، رفسنجانی و خامنه ای تا حدودی از "مصلحت طلبی" های خود خواهند کاست و بویژه در زمینه سیاست خارجی بیشتر "احتیاط فقهی" را در نظر خواهند گرفت.

خمینی در زمینه سیاست خارجی، در دهوهایی که خاصه بین وزیر خارجه و وزیر کشور جریان داشت، بیشتر خط وزارت خارجه را زیر ضرب برد و روشن ساخت که حکومت اسلامی نباید هدف اصلی خود را "روابط گسترده تر" بگذارد.

با پیام خمینی برخی پزهای لیبرالی دولتمردان جمهوری اسلامی پایان می گیرد و در این رابطه خاصه منتظری حساب کار خود را می کند، چنان که کرد و ضمن این که به روی خود نیآورد که خمینی او را به خاطر "کوته فکری" مورد ملامت قرار داده است، پیام پشتیبانی از پیام خمینی صادر کرد. با این پیام رهبری، دولتمردان دریافتند که نباید به رهنمودهای قائم مقام رهبری و قعی بگذارند و دیگر نباید وی را به بازی گیرند.

حکومتگران دریافتند که باید تبلیغات خود را چربتر کرده و حزب الله را در حالت بسیج نگه دارند. خمینی آنها را بیشتر متوجه ضرورت رعایت حال پایگاه

حمایتی شان کرد و خاصه بدانان خط داد که در نیروهای جنگی، احساسات جنگی را تقویت کنند و آنها را از افشاش روانی پس از آتش بس در آورند. با این پیام بحث "تعهد یا تخصص" تا مدتی فرومی خوابد و "متعهد" بر "متخصص" ترجیح داده میشود. تا این حد پیام اسفند خمینی، حکومتگران را از بلاتکلیفی در آورد. اما این به هیچ روی معنی برون آوردن آنها از بحران نیست.

بحران تشدید می شو

پیام خمینی به مردم و هده فقه بیشتر، اسلام بیشتر، آخوند بیشتر استبداد بیشتر و فلاکت بیشتر می دهد؛ نتیجه آن نفرت بیشتر و خشم بیشتر مردم است. خمینی به دولتمردان می گوید با اسلام بیشتر و سرکوب بیشتر به جنگ "بیم موج و گرداب هایل" بروند.

پیام خمینی جلوی تلاشهای مذبوحانه مصلحت طلبانه در حکومت فقها را می گیرد. این تلاشها، دست و پازدنهایی هستند برای انطباق دادن اسلام بر حکومت در یک جامعه سرمایه داری به شدت بحران زده. این تلاشها، مصلحت جویی های مذبوحانه ای هستند برای مهار زدن بر بحران. خمینی ضمن توجه به مصلحت های، از مصلحت طلبان خواست تندروند و از خط فکاهت دور نگردند. با این پیام نه تنها از اختلافات جناحهای حکومتی کاسته نمی گردد، بلکه بر ابعاد آن افزوده می شود. خمینی اعلام کرد که همه جناحها را فرزند خود می داند، بنا بر این، بحث پیش می آید که چرا یک جناح باید خود را نور چشمی تصور کند. طبیعی است که جامعه مدرسین سهم بیشتری خواهد خواست و پیروان فقه سنتی در دستگاه، صدایشان را بلندتر خواهند کرد.

حزب الله، اکنون "شارژ" شده و باید بداند که بر سر چه باید شعار دهد. این چند هفته نوبت "سلمان رشدی" است، بعد چه؟ پیام خمینی مشکلات روابط سیاسی و اقتصادی خارجی جمهوری اسلامی را بیشتر کرد. با دفاع خمینی از جنگ بی سرانجام،

حتی ممکن است مذاکرات صلح بیشتر مختل گردد و مسائل تازه ای در این مسیر پدید آید.

بحران تشدید می شود، در همه جهات و در همه ابعاد.

خمینی ناچار است مدام مطلقیت ولایت خود را بیشتر کند، اگر تسامحا کاربرد صفت تفضیلی در مورد وی را درست بدانیم، می توانیم بگوییم، او هر چه می گذرد مستبدتر و هارتر می شود. این امر هم رابطه دولت - جامعه را انفجاری تر می کند و هم روابط درون حکومتی را.

جماران اکنون چنان بر سر دولت سنگینی می کند که با تخته شدن در آن با مرگ خلیفه، هیچ وزنه ای قادر به ایفای نقش آن نخواهد بود، خاصه اگر وزنه جانشین نخواهد منتظری باشد.

جمهوری اسلامی اکنون بسی بی آینده است. پس از آتش بس این گمان دارای ریشه های واقعی، تشدید شده بود که رژیم کوشش خواهد کرد در گسترش رابطه با غرب و نوعی "عقلانیت"، چاره ای برای بی فرجامی خود

بباید. این کوششها دست کم در این دور به فرجام نرسیدند. پیام خمینی نقطه پایان یک دور بحث و کلنجار در درون حکومتگران است. ما از این امر خرسندیم. خرسندیم که جمهوری اسلامی نمی تواند از یکسو هزار هزار بکشد و از سوی دیگر پز لیبرالی بگیرد. مصلحت طلبی ها فرصت طلبی های میدان می داد و اگر چه قادر نبود خشم توده ای را مهار کند، اما ممکن بود از یکسو جمهوری اسلامی را با گسترش روابط خارجی اش اندکی هم که شده تقویت کند و از سوی دیگر در داخل توهماتی پدید آورد. نیروهای انقلابی می کوشند هر چه بیشتر چهره ضد مردمی رژیم را افشا کنند و طبیعتاً خرسند خواهند بود اگر رژیم چهره کریمش را بیشتر در معرض دید بگذارد و جایی باقی نماند تا نقاب بر چهره زند.

پیام خمینی، پیام بی آیندگی رژیم است. به استقبال آینده برویم: به استقبال "شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل" که سر نوشت محتوم رژیم است.



پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

سخنان منتظری در روز ۲۲ بهمن

انتخابات ریاست جمهوری
هر دوماه برگزار می شود

خبرگزاری دولتی به نقل از وزارت کشور اعلام کرد که انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی روستاهای سراسر کشور در هر دوماه سال ۶۸ برگزار خواهد شد.

از نظر هاشمی رفسنجانی و خامنه‌ای از هم اکنون معلوم است که چه کسی باید رئیس‌جمهور بعدی باشد. خامنه‌ای که بیش از ۵ ماه به پایان ریاست جمهوری وی باقی نمانده است، هاشمی رفسنجانی را جانشین آتی خود می‌داند و گفته است که همه نگاه‌ها برای احراز پست ریاست جمهوری متوجه اوست. شخص رفسنجانی نیز به خبرنگار تلویزیون فرانسه در زمینه کاندیداتوری انتخابات ریاست جمهوری گفته است: «من هنوز به نقطه تصمیم نرسیدم که کاندیدایی ریاست جمهوری خودم را اعلام بکنم ولی ظواهر چنین نشان می‌دهد که داریم به همان جامی رسیدیم که من نامزد بشوم.»

نمضت آزادی برای انتخابات هنوز کاندیدایی تعیین و معرفی نکرده است ولی طبق اظهارات «یزدی» قرار است: «نمضت آزادی در انتخابات ریاست جمهوری و هر انتخاباتی که در شرایط آذربایجان شود، شرکت کند.»

اما، وزیر اطلاعات و ساواک جمهوری اسلامی حجت‌الاسلام ری شهری، از هم اکنون صلاحیت نمضت آزادی را برای کسب اجازه فعالیت سیاسی حتی در چارچوب قانون اساسی و پذیرش و تبعیت از اصل پنجم آن یعنی ولایت فقیه، رد کرده است. ری شهری روز چهارشنبه ۲۶ شهریور به خبرنگاران گفته بود: «به نظر من اعضای نمضت صلاحیت تشکیل حزب و گروه را ندارند.» وی اضافه کرد: «صبر و حوصله نظام با این افراد سودی نداشته و اگر باز هم بخواهند لجاجت کنند فکر می‌کنم نظام قاطعانه با آنان برخورد خواهد کرد.»

کنند، وقتی که کار به جایی برسد که صحبت من طلبه که از اول در انقلاب بوده‌ام و دلسوز انقلاب بودم و هستم سانسور شود وای به حال دیگران. این معنی ندارد که دو یا سه نفر تصمیم گیرنده باشند و برای همه تصمیم بگیرند.»

منتظری در بخش دیگری از سخنان خود به تلاشهای ناموفق جمهوری اسلامی در قبال مهاجرین ایرانی مقیم خارج از کشور اشاره کرد و نمونه‌ای از برخورد مأمورین ساواک را در کمرکهای مرزی تشریح نمود. منتظری گفت: «موضوعی که چهار، پنج سال است من مطرح می‌کنم و خدمت امام هم گفته‌ام و در مورد آن نامه‌هم زیاد داشته‌ایم اینست که افرادی که در خارج هستند وحشت زده‌اند... اگر بگوییم در فرودگاه از افراد تخلیه اطلاعاتی کنیم افرادی که در خارج هستند می‌ترسند و نمی‌آیند، راهش این است که سفارتخانه‌ها و کنسولگریها در مورد ایرانیان بررسی کنند و اگر نیرو ندارند از اینجا کمک فرستاده شود. افرادی که مایلند بیایند به سفارتخانه‌ها مراجعه کنند و وقتی آنها بررسی کردند و متوجه شدند واقعا می‌خواهند به ایران بیایند و رندگی کنند یک تعهد هم بگیرند و از فرودگاه به خانه بروند. نخواهیم بیاییم در فرودگاه و از او احوالپرسی کنیم.»

روز چهارشنبه سوم اسفند پیام خمینی که بخشی از متن آن متوجه اظهارات منتظری است، انتشار یافت و در روز پنج‌شنبه ۱۰ تن از نمایندگان مجلس دسته‌جمعی به قم رفتند و با منتظری دیدار کردند. وی به نمایندگان مجلس تاکید کرد که مسایل خود را با خود خمینی در میان بگذارند.

روز شنبه ۶ اسفند پیامی توسط منتظری منتشر شد. در این پیام منتظری ضمن حمایت از پیام اخیر خمینی، از وی خواست که هیاتی را مأمور رسیدگی به فعالیت دستگاه اداری و قضایی کشور کند تا آنان با بررسی عملکردهای دستگاه قضایی خمینی را در جریان امور قرار دهند.

«ما در جنگ خیلی اشتباه کردیم و خیلی جاها مجبازی کردیم و شعارهایی دادیم که می‌دانستیم نمی‌توانیم آن را انجام دهیم. شعارهایی دادیم که دنیا را از خودمان ترساندیم و فکر کردند که در ایران ما مردم رامی‌کشیم... برای یک نوع کارهایی که فحشا انجام شده، ما همه کارهایمان درست نبود.»

مطلب فوق بخشی از سخنرانی منتظری در روز ۲۲ بهمن در جمع اعضای سپاه، بسیج، خانواده شهدا و... در قم است. منتظری در ابتدای سخنرانی خود تلویحا به گسترش نارضایتی افسار و گروه‌های مختلف مردم نسبت به رژیم اشاره کرد و یادآور شد که باید به این تحولات توجه کرد. وی گفت: «آن اجتماعات، تظاهرات و راهپیمایی‌هایی که در شهرها بود و فیلمهای آنها را می‌بینیم دقت کنید که در آنوقت چه روحیه‌ای حکمفرما بود و چه عناصری در جامعه بودند. چه جوانها و امکانات و منابع اقتصادی وجود داشت. اینها را بررسی کنیم که چه هماهنگی‌ها، فداکاری‌ها، ایثارها و گذشتهایی بود... ببینیم این وحدتها و ایثارها چه شده است. باید حساب کنیم در ظرف این دهسال که جنگ را به ما تحمیل کردند آیا جنگ را خوب طی کردیم یا نه دشمنان ما که این جنگ را تحمیل کردند آنها پیروز از کار در آمدند... باید اینها بررسی شود و ببینیم اگر اشتباهی کرده‌ایم اینها توبه دارد و اطلاق مینماید شویم که بعدا تکرار نکنیم. چقدر در این مدت شعارهایی دادیم که فحشا بوده و خیلی از آنها ما را در دنیا منزوی کرد و مردم دنیا را به ما بدبین کرد و هیچ لزومی هم برای این شعارها نداشتیم. گفتیم همین است که ما می‌گوییم بعد هم فهمیدیم که اشتباه کرده‌ایم، باید بفهمیم که اشتباه کرده‌ایم.»

در ادامه همین سخنان، منتظری تصریح کرد که حتی اظهارات و نوشته‌های خود وی نیز در رادیو و تلویزیون و مطبوعات سانسور می‌شود. منتظری گفت: «روزنامه‌ها یک خط خاصی نباشند. رادیو و تلویزیون در دست چند نفر انحصاری نباشد که هر جا را خواستند سانسور

سیب زمینی کیلویی ۴۵۰ ریال

به نوشته روزنامه‌های دولتی، با افزایش تدریجی قیمت سیب زمینی و نایابی آن در اکثر شهرهای کشور، بهای هر کیلو سیب زمینی در تهران به ۳۰۰ ریال و در سطح شهر شیراز به ۳۵۰ تا ۴۵۰ ریال رسید. گرانی قیمت سیب زمینی و افزایش مداوم آن باعث شده این محصول که یکی از اقلام اصلی غذای خانواده‌های کم‌درآمد را تشکیل میدهد، مانند بسیاری از کالاهای دیگر از دسترس مردم خارج شود.

بر اساس گزارشهای رسمی اقتصاد طی ماه گذشته قیمت تخم مرغ از کیلویی ۶۰۰ ریال به حدود ۷۰۰ ریال و قیمت هر کیلو پنیر تولید داخلی به علت عدم اعلام کوبین جدید از ۱۶۰۰ ریال به ۲۲۰۰ ریال رسید. دستمزد کارگر ساختمانی و کارگر ساده در همین دوره ۲۵۰۰ ریال بود.



برف و بوران شدید در نقران و دیگر مناطق کشور در حالی که نفت حکم کیمیا را یافته است

دور از صحنه

یکی از پناهندگان ایرانی مقیم یونان، در نامه‌ای برای نشریه، به تشریح وضع پناهندگان سیاسی در این کشور پرداخته است. در این نامه می‌خوانیم:

”مدتجا بود که می‌خواستیم برایتان درددلی از سرناچاری و نیاز بکنم. ولی مجال دست نمی‌داد. تا اینکه فرصتی فراهم شد و این سطور رتم خوردند.

باید بگویم یونان برای پناهنده‌ها در حکم یک کشور ترانزیت و عبوری است. پناهنده‌ها چه از طریق قانونی و چه از راه قاچاق و از مرز ترکیه وارد این خاک می‌شوند. البته تا سه چهار سال پیش اینگونه خیل پناهنده‌ها و آواره‌ها به این خطه سرازیر نشده بود. ولی به‌رحال برای آنها که در اسامور پناهنده‌ها نشسته‌اند (منظور در یونان) و دفتر دستک و اتاق و تلفنی دارند، دکان و بازار چپاول بدی نیست. طبق قوانین مصوبه که یونان هم اتر پذیرفته، می‌بایست هر پناهنده پس از اتمام مدت (۱۸) ماه ماندگاری در این کشور از طریق نوبت و مصاحبه در یکی از سفارتخانه‌های آمریکا، استرالیا، کانادا و نیوزلند پذیرفته شده و به مقصد فرستاده شود.

برای آنکه مطلب روشن‌تر بیان شود مجبورم به عقب برگردم. زمانیکه ما در گروه‌های

متعدد با دادن پولهای گزاف و در واقع هستی و نیستی‌مان به قاچاقچی‌ها شانه‌ها دلبره و بزار مخاطره به خاک یونان وارد شدیم و اعلام پناهندگی کردیم، مارا ابتدا به چهارده ماه زندان محکوم کردند و پس از آن به ۴ ماه تقلیل یافت. از طریق سازمان ملل آزاد شدیم. حالا با چه شرایط دشوار غیر قابل وضعی کفران کردیم. بماند. و این قانون در مورد تمام کسانی که چون ما غیرقانونی و بدون پاس وارد می‌شوند اعمال می‌گردد. بعد از آزادی از زندان می‌بایست در سازمان پلیس این کشور پرونده تشکیل بدهیم و کارت سفید پلیس بگیریم. و بعد شرح حال بنویسیم به سازمان ملل بدهیم و وکیل با ما مصاحبه کند و به شرط قبولی، کارت آبی هم دریافت کنیم. و با کارت آبی ماهیانه حدود ۱۰۰ دلار حقوق برای تمام زندگی و خرج و مخارج‌مان مقرر می‌گیریم. حالا سؤال پیچ‌کردن وکیل که با تو مصاحبه می‌کند و گاه یوزخند و نابوری ایشان و احتمال رد کردن پرونده هم بماند. ولی هستند کسانی که با وجود داشتن پرونده پناهندگی حقیقی و یا احيانا تحت تعقیب بودن و شکنجه شدن و زندانی بودن و گریختن از چنگال گرازهای وحشی جمهوری اسلامی، باز هم دست رد به سینه‌شان می‌خورد. و مطلقاً مشخص نیست که سنجش و قبولی اینها در مورد پناهنده‌های ایرانی بر چه مبنای و اصولی استوار است.

و اما بعد از ۱۸ ماه حقوق ماهی ۱۰۰ دلار - قطع می‌شود. اجازه کار هم در این کشور نداری. پس سوال می‌کنیم چه باید کرد؟ چگونه زندگی کنیم؟ مگر قرار نبوده است که تا حداکثر ۱۸ ماه ما را راهی کشور مقصد پناهنده گیر دیگری نکنید، تکلیف و راه چاره و برون رفت از این معضل چیست؟ آنها بروها ایشان را بالا می‌کشند و با تکان دادن سرهاشان می‌گویند، این دیگر درید قدرت مانیست. هر پناهنده تشکیل پرونده و مدارک می‌دهد تا اینکه سر نوبت پرونده‌ها به سفارتخانه‌ها فرستاده شوند و کنسول قبول زحمت فرموده و وقت مصاحبه حضوری بدهند. اکثر سفارتخانه‌ها اعلام کرده‌اند که پناهنده مجرد خصوصاً مرد را به هیچ عنوان نمی‌گیرند و اگر هم رحمی کنند تنها با داشتن پاسپورت (ضمنی) از همان کشور (کانادا، استرالیا، ...) می‌پذیرند. حال بگرد تا پاسپورت پیدا کنی. بمان تا پاسی معلوم نیست چه سرتی در کار است. هیچگونه قانون مقبول و حساب شده‌ای در کار نیست. همینطور هر دمبیل. کسانی هستند که سه سال و یا بیشتر منتظر نوبت و مصاحبه هستند ولی کسانی هم هستند و یا بوده‌اند که سرشش ماه و یا کمتر و بیشتر از گدراه رسیده و نرسیده - به کشورهای مقصد رفته‌اند. حالا پشت پرده‌ها دست کدام اشخاص و چه بندوبست‌ها و چه بده‌بستانهایی در کار است، مشخص نیست. و در این میان به آنهایی

بیش از همه ظلم روا می‌شود که مسائل را می‌نمهند و آگاهند و مستحق واقعی رسیدگی فوری هستند. اینجا مجرداً مقوله اسفناک دیگری هستند. باید تن به سخت‌ترین کارها که خودیونانیها از زیر بارش شانه خالی می‌کنند - بدهند. بدون هیچگونه بیمه و تعهدی در قبال حادثه و یا پیش‌آمد ناگهانی، باید خود خواسته و جبراً و از سر نیاز و درماندگی با چندراز تن به استثمار داد. و در بدترین و متعفن‌ترین مکانها زندگی کرد. روی شکم مشت کوبید و چیزی پس انداز کرد. و آنوقت از معدودی ایرانی سودجو و طماع و ناکس که در کار قاچاق پاسپورت و مهر ورود و خروج ویزا و کوفت و زهر مار، دستی دارند، پاسپورتی به قیمت ۹۰۰ - ۵۰۰ دلار تهیه کنی، همکس را برایت عوض کنند. بلیط کانادا و یا کشورهای اسکانندیناوی را بخری و با اضطراب و دلهره بروی فرو نگاه که آیا بشود رد شد یا نشود. اگر موفق بشوی که به مقصد رسیده‌ای، و الا باید دوباره سر از زندان دریابوری، دادگاه بروی و جریمه سنگین بدهی، در همین یونان بمانی، پاسپورت را هم می‌گیرند و آنگاه روز از نو، روزی از نو. در یک دایره رنج و درد و در بدری دور خودت چرخیده‌ای و دوباره باید از صفر شروع کنی. (در حاشیه بگویم که سال گذشته در یونان پناهنده‌ای خودسوزی کرد و جان باخت.)

خمینی قرار خواهد گرفت. در این طرح شمار ایرانیان خارج از کشور ۴ میلیون تن برآورد شده است و این اولین بار است که آمار ایرانیان مهاجر رسماً از سوی دولت اعلام می‌شود.

وزیر خارجه شوروی در تهران

ادوارد شوارندادزه وزیر امور خارجه شوروی هفته گذشته از تهران و بغداد دیدن کرد. این دیدارها، بخشی از سفر خاورمیانه‌ای شوارندادزه به منطقه خاورمیانه بود. طی ده سال اخیر، این اولین بار است که یک مقام بلند پایه شوروی به تهران سفر می‌کند. وزیر خارجه شوروی در بغداد و تهران، وضعیت خاورمیانه و تلاشهای سازمان ملل مبنی بر استقرار صلح جامع در منطقه و بین ایران و عراق را با مسئولان دو کشور مورد تبادل نظر قرار داد. بر اساس گزارش رادیوی جمهوری اسلامی وی روز یکشنبه ۷ اسفند، در جماران با خمینی ملاقات کرد. در تهران، وضعیت کنونی و آتی افغانستان نیز مورد بحث قرار گرفت.

چاپ یوگسلاوی همراه سخنان خامنه‌ای، بخشهایی از کتاب "آیات شیطانی؟ نوشته سلمان رشدی را درج کردند. در پایان دیدار خامنه‌ای از یوگسلاوی یک یادداشت تفاهم مشترک در زمینه گسترش روابط اقتصادی، فرهنگی و کنسولی میان طرفین امضا شد. خامنه‌ای روز پنجشنبه از بلگراد وارد بخارست شد و از سوی چائوشسکوی رئیس جمهور رومانی مورد استقبال قرار گرفت. دیدار خامنه‌ای از رومانی دوروز به طول انجامید.

طرح دولت برای ایرانیان مقیم خارج از کشور

هیات دولت جمهوری اسلامی مشغول تهیه طرحی جامع درباره ایرانیان مقیم خارج از کشور است. خبرگزاری دولتی با گزارش این خبر به نقل از موسوی نخست‌وزیر، از آن به عنوان طرح "معمومومی ایرانیان خارج از کشور" یاد کرد و افزود که طرح مذکور پس از تدوین و تصویب در هیات دولت، برای تایید در اختیار

سفر خامنه‌ای به یوگسلاوی و رومانی

روز دوشنبه اول اسفند خامنه‌ای رئیس جمهور همراه یک هیات اقتصادی و سیاسی وارد بلگراد شد. خامنه‌ای طی روزهای اقامت در یوگسلاوی با رئیس جمهوری و سایر مسئولان دولتی این کشور ملاقات کرد و با آنان پیرامون روابط دو جانبه، مذاکرات ایران و عراق و مسایل بین‌المللی تبادل نظر کرد. خامنه‌ای در دومین روز حضور در یوگسلاوی، ضمن دیدار از بخش مسلمان نشین این کشور، با نمایندگان روحانیون نیز ملاقات کرد. در کنفرانس مطبوعاتی که با حضور خبرنگاران یوگسلاوی و سایر خبرنگاران در بلگراد ترتیب یافت، خامنه‌ای، اقدام بازار مشترک اروپا را مبنی بر قطع رابطه سیاسی و اقتصادی با جمهوری اسلامی بی نتیجه خواند و تاکید کرد که حکم اعدام سلمان رشدی طبق فتوای خمینی اجرا خواهد شد. در همان روز برخی از مطبوعات

طنین فریاد

مرگ بر خمینی جلاد رسا تروباد!

ایتالیا - تظاهرات در برابر سفارت رژیم

در روز دوم فوریه نزدیک به ۱۰۰ تن از ایرانیان مقیم رم همراه با هدهای از شهروندان ایتالیایی تظاهراتی در برابر سفارت رژیم جمهوری اسلامی در ایتالیا برپا کردند. تظاهرکنندگان پلاکاردهایی با شعار "آزادی برای همه زندانیان سیاسی"، "سرنگون باد جمهوری اسلامی" و... را حمل می نمودند و با طنین مرگ بر خمینی جلاد، آزادی و دموکراسی برای ایران رافریاد می کردند. از سوی تظاهرکنندگان اعلامیه هایی که با مضامین متنوعی تهیه شده بود، در اختیار رهگذران قرار می گرفت. در قطعنامه پایان تظاهرات آمده است که:

- ۱ - اعدام های وحشیانه و بربرمنشانه جمعی زندانیان سیاسی فوراً قطع شوند.
- ۲ - شکنجه های غیرانسانی که در زندان های رژیم علیه زندانیان زن و مرد اعمال می شوند، بلادرنگ متوقف شوند.
- ۳ - در ایران به حقوق بشر احترام گذاشته شود.

این قطعنامه توسط مسئولین "جمعیت حقوق و آزادی خلق ها - ایتالیا" که سازمانده تظاهرات بود، به سفارت رژیم تحویل داده شد. از این تظاهرات و قطعنامه سازمانهای خارجی زیر حمایت کردند:

- ۱ - جمعیت دفاع از حقوق و آزادی خلق ها
- ۲ - حزب کمونیست ایتالیا
- ۳ - دموکراسی پرولتاریا
- ۴ - حزب رادیکال
- ۵ - جمعیت رادیکال برای حقوق بشر
- ۶ - گروه فدرال اروپایی (پارلمان اروپا)
- ۷ - جمعیت علیه "قتل عام - گرسنگی"
- ۸ - سندیکای CGIL
- ۹ - سازمان جوانان کمونیست ایتالیا
- ۱۰ - گروه سبزها ایتالیا
- ۱۱ - آ.ر.پ.ی (جمعیت

لغو فوری احکام اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی هستیم.

۲ - ما خواهان آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی موجود در زندانهای ایران می باشیم.

۳ - ما شرکت کنندگان در این حرکت اعتراضی از همه محافل

مترقی جهان خصوصا دولت و پارلمان سوئد می خواهیم که بدون هیچگونه ابهامی اعمال رژیم حاکم بر ایران را در رابطه با اعدام زندانیان سیاسی رسماً محکوم کرده و از رسانه های گروهی کشور اعلام نمایند و اعتقاد داریم که سکوت در این مورد تأیید ضمنی اعمال رژیم است.

اسپانیا - تظاهرات در اعتراض به ورود ولایتی



در تظاهرات هشتم فوریه در مادرید هدهای از شخصیت های برجسته و مترقی اسپانیایی شرکت داشتند. کسی که در عکس در کنار شعار "سرنگون باد جمهوری اسلامی - زنده باد آزادی" ایستاده است، یکی از نمایندگان پارلمان و از مسئولین جبهه متحد چپ است.

پنابندگان سیاسی در ایتالیا)
۱۲ - جورجیو فرارزی (روزنامه نگار)
۱۳ - سازمان میهن پرستان سری لانکا
۱۴ - جمعیت آمریکای لاتین
۱۵ - اتحادیه گروه ها و مردم مراکش در رم و استان لازیو
۱۶ - حزب کمونیست یونان - ایتالیا
۱۷ - انجمن دانشجویان یونانی در رم
خبر این تظاهرات در تعدادی از روزنامه های ایتالیایی از جمله روزنامه اونیتا، کوریر دل اسرا و مانیفست درج گردید.

علاوه بر این در رم در یکی از خیابانهای مرکزی شهر به مدت دو روز میزما گذاشته شد که طی آن با پخش اعلامیه های افشاگرانه، شهروندان ایتالیایی به امضاء یک متن در محکومیت رژیم خمینی فراخوانده شدند. در این روز هزاران تن از مردم ایتالیا این متن را امضا کردند.

در هر دو حرکت فوق فدائیان خلق در ایتالیا حضور و نقش فعالی ایفا کردند.

راهپیمائی در سوئد

با فراخوان "کانون دفاع از زندانیان سیاسی ایران" در روز شنبه ۸۹/۲/۱۱ تظاهراتی جهت افشای تبعکاریهای رژیم منغور خمینی، در شهر کارلسوگا سوئد برگزار گردید. در این مراسم ابتدا بیانیه کانون خوانده شد و سپس بیانیه حزب V.P.K سوئد جهت محکوم کردن اعمال فاشیستی رژیم توسط نماینده حزب قرائت شد.

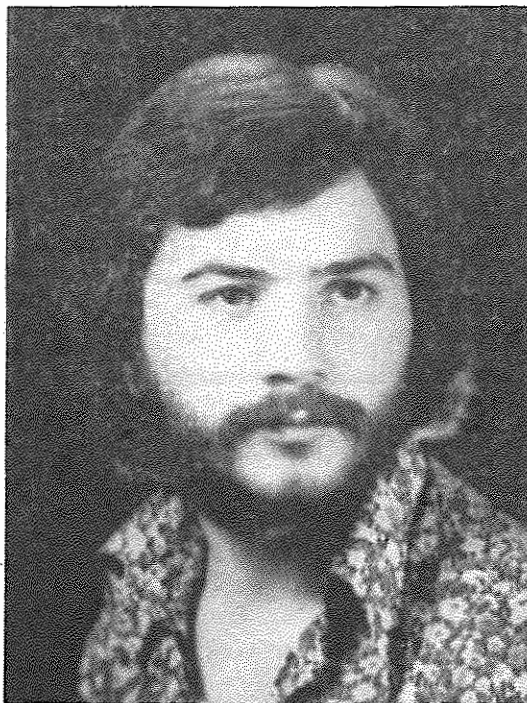
شرکت کنندگان در تظاهرات، پس از راهپیمایی در شهر قطعنامه ای صادر نمودند که بخشی از مفاد آن به شرح زیر است:

۱ - ما شرکت کنندگان در این تظاهرات خواستار قطع کشتار و

مسافرت ولایتی وزیر خارجه دولت ایران به اسپانیا با پروز موجی از خشم نیروهای مترقی و آزاده اسپانیا مواجه گردید. در روز ۸ فوریه تمامی نیروهای مترقی این کشور با صدور بیانیه مشترکی از این سفر ابراز کراهت کردند. در روز ششم فوریه نیز سازمان هغو بین الملل در اسپانیا

بیانیه ای منتشر ساخت و طی آن خواستار گردید از حضور ولایتی در اسپانیا باید برای متوقف ساختن موج اعدام در ایران استفاده شود. "انجمن طرفداران حقوق بشر اسپانیا" نیز با صدور اعلامیه ای از مردم مادرید خواست در روز ۸ فوریه برای اعتراض به ورود ولایتی و هم چنین اعتراض به نقض

چند خاطره از زندگی فدائی خلق سعید متین



رفیق سعید متین (عکس در سال ۱۳۵۵ گرفته شده است)

فدائی خلق سعید متین، یکی دیگر از دلاورانی است که در کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران، به دست دژخیمان خمینی به قتل رسیده است. وی که مبارزه خویش را در راه آزادی و بهروزی مردم، قریب ۱۵ سال پیش از طریق شرکت در حرکات دانشجویی خارج کشور آغاز کرده بود، به سرعت به سازمانگر مبارزات دانشجویی خارج کشور مبدل شد و سپس با مراجعت به ایران و سقوط رژیم شاه در پیوند با سازمان ما قرار گرفت. آنچه راکه در زیر می خوانید بر اساس نوشته یکی از آشنایان و همراهم سعید تنظیم شده است و گوشه هایی از زندگی این فرزند خلق را ترسیم می کند.

«... از سرکار به خانه که رسیدیم، چشمم به فراخوانی در مورد کشتار زندانیان سیاسی افتاد. به سرعت و بدون مکث کافی آن را مرور کردم. فراخوان با متدملهای کوتاه حاوی ۱۵ شماره بود. در کنار هر شماره اسمی نوشته شده بود. این نخستین دریافت من از آن فراخوان بود. اما بعد به خود لرزیدم که چگونه جمهوری اسلامی وضعیتی را پدید آورده است که خواندن ردیف نام شهیدان هادی شده است، احساس شرم کردم که چگونه من هم تسلیم این وضعیت شده ام و بدون مکث از روی آن همه نام گذر کرده ام با نامهایی که هر کدام برگ سرخی بر اختر تاریخ قهرمانی خلفاست. درواکنش بعدی به بازخوانی نامها پرداختم. بر روی هر نام مکث کردم تا به شماره ۸۴ رسیدم. رو بروی آن نوشته شده بود: سعید متین. سرگیجه گرفتم. چشمم در همانجا خیره ماند. حق حق گریه از من امکان بازخوانی دیگر نامها را سلب کرد. اما دیگر همه آن نامها بر ایم آشنا بودند. سعید را

زندانی کردند. پس از زندان اورا به خدمت سربازی اجباری فرستادند. اما سعید دوره سربازی را تا به آخر نگذارتد. با اوچگیری جنبش توده ای در سال ۱۳۵۷ سعید از پادگان گریخت و به جنبش مردم پیوست. در روزهای قیام بهمین آرام و قرار نداشت. با حضور در همیلات نظامی در تسخیر چندین مقر رژیم شاه شرکت داشت. در جریان فتح مرکز رادیو در میدان ارک تهران، همزرم قاسم سیادتی (از رهبران سازمان) بود.

پس از پیروزی انقلاب و با پرپایی ستاد سازمان، سعید در ستاد کار می کرد. از اینجا به آنجا می رفت و برای انجام هر کار زمین مانده ای سر از پا نمی شناخت. در ستاد در جریان تمیز کردن اسلحه های به شدت مجروح گردید. بگونه ای که اطرافیان از نجات جانش مایوس شدند. گلوله استخوان دست چپش را سوراخ و روده هایش را متلاشی ساخت. در بیمارستان تزار تختخوابی پزشکان جانش را نجات دادند. در همانجا بود که برای اولین بار او را پس از بازگشت به ایران دیدم. چهره اش اگرچه از درد مجاله شده بود اما بالبخندی ضعیف زینت بست. با صدای ضعیف از من پرسید: چقدر دیر آمدی؟ منظورش این بود که چرا دیر به کشور بازگشتم. وقتی که در پاسخ مشکلات تحصیلی ام را مطرح کردم به طعنه گفت: اگر مردم انقلاب کردن رانابه این قبیل دلایل به عقب می انداختند وضع خیلی خراب می شد.

روزهای بستری بودنش در بیمارستان، روزهایی نبود که سعید آنها را به بدر بدمد. رفتار سعید با کارکنان بیمارستان طوری بود که اتاق سعید به محل تجمع پرستاران، کارمندان و پزشکان پیشرو تبدیل شده بود. با سازماندهی او پرستارها در اتاق کشیک جلسه کتابخوانی می گذاشتند.

آخرین خبری که از سعید داشتیم این بود که او در خیابانهای تهران تاکسی رانی می کند. می دانستم که وضع مالی بسیار بدی دارد. می دانستم که موقعیت امنیتی او هم نامناسب است. همواره نگرانش بودم تا نام سعید شماره ۸۴ را خواندم، نام سعید متین را سعید مالی را...»

همواره شاداب و سرزنده بود و با خود نشاط و شادی را می پراکند. فهمیدم مادرش با بیماری سرطان درگذشت و سعید نتوانست برخلاف عهدش در هنگام مرگ در کنارش باشد. مصمم بود که برای مراسم چهلم به ایران برود. این کار پرمخاطره بود. سعید به عنوان یکی از فعالترین چهره جنبش دانشجویان ایرانی در آمریکا برای ساواک شاه شناخته شده بود. همه او را سعید مالی می نامیدند. او مسئول مالی خانه ایران شهر شیکاگو (یک مرکز دانشجویان پیشرو) بود. اما سعید بی هراس از بازداشت، تدارک بازگشت قطعی خود را به ایران به سرانجام رساند.

وقتی که به تهران بازگشت هنوز ۹ روز به مراسم چهلم مادرش مانده بود. اما سعید بالاخره نتوانست در این مراسم شرکت نماید. زیرا در فرودگاه مهرآباد، گزمه های ساواک منتظرش بودند و او را مستقیماً روانه بازداشتگاه کردند. آنها برای کسب اطلاعات و در هم شکستن مقاومتش شکنجه را آغاز کردند و در پایان او را با دو پای شکسته در سلول انفرادی

میشناختم. او نمونه ای بود که نشان می داد چگونه یک انسان متعارف می تواند تا حدیک انسان متعالی ارتقاء یابد. یک یک خاطره هایی که از او داشتم و یا شنیده بودم به نظرم آمدند. چگونه سعید از حضور در تظاهرات دانشجویی آغاز کرد و فدائی خلق شد و اکنون نامش در دفتر شهیدان خلق ثبت شده است...»

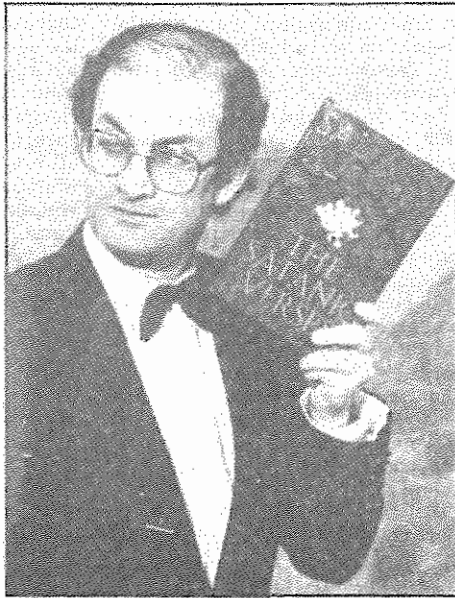
آن روز در ناهارخوری دانشگاه روزولت به سعید برخوردیم. برخلاف همیشه همگین بنظر می رسید. این فیرهادی بود. او

متوقف سازد.

این تظاهرات از تمامی رسانه ها پخش گردید و علاوه بر مطبوعات، در مهمترین بخش های خبری تلویزیون ها و رادیوها بازتاب یافت.

از این تظاهرات «کارزار دفاع از جان زندانیان سیاسی» که از ایرانیان مترقی و دمکرات مقیم اسپانیا تشکیل شده است، پشتیبانی کرد و در آن حضور فعالی داشت.

حقوق بشر در ایران در مقابل کاخ وزارت امور خارجه (که محل دیدار ولایتی با همتای اسپانیائیش بود) گردآیند. این گرد همائی طبق برنامه پیش بینی شده در زمان حضور ولایتی در کاخ وزارت خارجه برپا شد. شدت فیرادها و طنین شعارهای تظاهر کنندگان چنان بود که پیشبرد گفتگوی دو وزیر را دشوار ساخت. پلیس ضد شورش به مقابله با تظاهر کنندگان برخاست و کوشید دادن شعار را



شبکه تلویزیونی 'کانال ۴' بریتانیا، هفته گذشته مصاحبه‌ای با سلمان رشدی نویسنده 'آیات شیطانی' پخش کرد که بخشهایی از آن را می‌خوانیم.

مصاحبه‌ای با سلمان رشدی

من کتاب خود را برای آخوندها ننوشته‌ام

آیا انتظار چنین واکنش گسترده‌ای در مقابل کتاب خود را داشتید؟

من انتظار داشتم که آخوندها از کتاب خوششان نیاید، اما من کتاب را برای آخوندها ننوشتم، من آنچه را که آخوندها ظرف ۱۱ سال گذشته در پاکستان کرده‌اند، یعنی سرکوب توأم با اسلامی کردن این کشور را دیده‌ام. من همچنین شاهد آن بوده‌ام که در این دوره، تقریباً همه شاعران پاکستان در انگلیس در تبعید به سر برده‌اند، تازه امروز شروع به فکر کردن درباره بازگشت کرده‌اند. آشکار است که نگرش من به جهان، نگرش آخوندها نیست، من بر حق داشتن این نگرش برای خود، و نیز حق بیان آن، بگونه‌ای که مناسب می‌دانم، تاکید می‌کنم.

در این کشور، کارها آسان است، اگر نمی‌خواهید کتابی را بخوانید، مجبور به این کار نیستید. بسیار مشکل است که کسی از کتاب آیات شیطانی برنجد، زیرا مطالعه آن مستلزم دوره‌ای طولانی است. این کتاب حجمی معادل یک ربع میلیون لغت دارد.

اختلاف، به لحاظی درباره پرداختن شما به متن تاریخی قرآن و بازی ادبی با آن بوده است. این پرداخت، تا چه حد بر واقعیت تاریخی منطبق بوده است؟

تقریباً بطور کامل، تقریباً همه چیز در آن بخشها - بخشهای مربوط به رویاهای شخصیت‌های داستان - از مبنای تاریخی یا شبه‌تاریخی آغاز می‌شود، البته وقتی سخن از دوره زندگی محمد است، واقعا نمی‌توان با اطمینان مطلق از تاریخ سخن گفت. روایات، بسیار ناقص و مبهمند، اما بالاخره، محمد تنها پیغمبری است که حداقل بطور ناقص در تاریخ ثبت شده است. در مورد همه پیغمبران دیگر، برای ما تنها روایات و احادیثی باقی مانده‌اند که صدها سال بعد نوشته شدند. نکته جالب در مورد محمد این است که اطلاعات عینی درباره او علاوه بر قرآن وجود دارد. هنگامی که من به عنوان یک مورخ درباره این امر مطالعه کردم، به نظرم رسید که این نکته، کل این پدیده را به یک پدیده تاریخی و نیز یک پدیده فکری تبدیل می‌کند. رابطه میان انسانهای دخیل در این پدیده، بسیار جالب است.

هر چه باشد، اسلام یکی از بزرگترین اندیشه‌هایی است که تاکنون ظهور کرده‌اند. فکر می‌کنم مارکسیسم را می‌توان به لحاظ گستره آن با اسلام مقایسه کرد. یا فتن امکان مطالعه در مورد تولد یک تفکر بزرگ تاریخی، جالب است. شما به عنوان مورخ، می‌آورید که اسناد تاریخی، تا چه حد پراکنده، مبهم و منحصر به فردند بنابراین من به این نتیجه رسیدم که وانمود به نوشتن تاریخ نکنم، بگذار موضوع مبای را که به آن علاقه‌مندم، بگیرم و در باره آن خیال‌پردازی و داستانسازی کنم، تا مجبور نباشیم به این امر بپردازیم که واقعیت، همین گونه بوده است یا نه.

موضوعات، بسیار گسترده‌اند. در اساس، کتاب نمی‌کوشد به هیچ سؤالی پاسخ دهد. هرگاه اندیشه‌ای ظهور می‌کند، در برابر دو آزمایش بزرگ قرار می‌گیرد: آیا وقتی ضعیف هستید، به سازش تن می‌دهید؟ آیا وقتی نیرو

هم چنین بود که نیست، این فکر که ممکن است کتابی وجود داشته باشد که دیدگاه آن دیدگاهی به جز نظرات رهبران اسلامی، و خود آن تا این حد خطرناک باشد، برای من قانع‌کننده نیست.

به نظر من، این کاملاً مشروع است که باید دیدگاهی مفایر با تفکر ارتدکس مآبانه وجود داشته باشد. این امر تنها در مورد اسلام حادق نیست. مثلاً در مقابل سیاست محافظه‌کاران که نوعی ارتدکس منشی است که امروز همه ما تحت سلطه آن زندگی می‌کنیم، باید دگراندیشی وجود داشته باشد. اگر در این کشور، تفکر رادیکال، تفکر ارتدکس مآب حاکم می‌بود، به نظر من ضرورت داشت که در مقابل آن هم، دگراندیشی مجال موجودیت یابد.

از جمله کارهایی که یک نویسنده می‌تواند بکند، این است که بگوید: این است نوع نگرش به جهان که به شما پیشنهاد می‌شود، اما روش‌های دیگری هم وجود دارد. هرگز نگذارید جهان کنیم همان نوع نگرش به جهان که قدرتمندان به ما تجویز می‌کنند، تنها راه ممکن است، زیرا اکثر چنین کنیم، این به معنای خود سانسوری خواهد بود.

می‌گویند آنچه شما نوشته‌اید، توهین به اسلام و به مبارزه طلبیدن همه مسلمانان است. آیا شما از تحریریک، لذت می‌برید؟

بستگی به منظور شما از تحریریک دارد. هر نویسنده‌ای آرزو دارد بتواند تخیلات را تحریریک کند. هر کس مایل است مردم را به تفکر درباره آنچه می‌نویسد، وادارد. به نظر من، یکی از اهداف نوشتن این است که نوشته، اندکی بر مجموعه آنچه می‌توان در باره آن اندیشید، بیفزاید، و بگوید: 'بگذارید به موضوع، بگونه‌ای دیگر بنگریم.' اگر این هدف متحقق شود، مردم تحریریک می‌شوند، و شاید این بر حلاف میلشان باشد.

بقیه در صفحه ۱۳

کرفتید، قدرت تحمل دیگران را دارید؟ این است مسائلی که آن بخشها از رمان، به آن پرداخته است. کتاب، نشان می‌دهد (و تا آنجایی که از زندگی محمد اطلاع داریم، چنین بوده است) که پاسخ به سؤال اول این است: اسلام در دوره ضعف خود، ظاهراً نزدیکی‌هایی با نوعی سازش - در رابطه با یکتاپرستی - نشان داد، اما این سازش به سرعت رخد.

اما من فکر نمی‌کنم که این برای محمد، کسرشان باشد. همه پیامبران، دچار وسوسه شده‌اند. وقتی جبرئیل، صدر ملائک، نزد محمد رفت و به او گفت آن آیات، آیات شیطانی بوده‌اند و باید حذف شوند - و حلال، این آیتی که من آورده‌ام، واقعی است - محمد راه‌فرو کرد. او گفت: 'فکرش را نکن، این قابل درک است. مسائل مشابهی در گذشته روی داده است.' به نظر من، جبرئیل بیش از اینمایی که به کتاب من حمله می‌کنند، انعطاف پذیر بود.

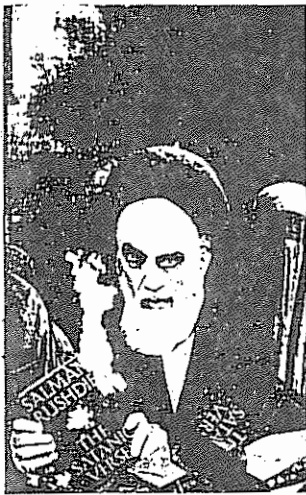
محمد وقتی به مکه بازگشت و قدرت گرفت، بسار انعطاف پذیر بود. اگر درست به خاطر داشته باشم، تنها پنج یا شش نفر پس از تسخیر مکه اعدام شدند. از این پنج یا شش نفر، دو نفر نویسنده بودند، و دو تن هنرپیشگانی بودند که متون طنزآمیز اجرا می‌کردند. به نظر من، این تصویر ارزش کاوش را داشت: در همان آغاز اسلام، درگیری کلام الهی و کلام دنیوی را می‌بایید، میان ادبیات وحی و ادبیات زمینی برای یک نویسنده، این درگیری بسیار جذاب و جهت‌ناوش، حالب است. این بود آنچه من کردم: کاوش.

فکر می‌کنید مخالفت با کتاب از جانب کسانی است که احساس ضعف یا احساس قدرت می‌کنند؟

به نظر من، هیچ کاری که در قدرت من باشد، نمی‌تواند اسلام را نابود کند. پیوسته می‌گویند در جهان ۹۰۰ میلیون نفر مسلمانند. از دست من چه کاری برمی‌آید؟ من چگونه می‌توانم اسلام را نابود کنم؟ ممکن نیست. یس اگر قصد من

بته از صفحه اول

خشم فقیهانه از آیات شیطانی



خواهد کرد. در آلمان فدرال، حدود ۲۵ بنگاه انتشاراتی معتبر به اتفاق هم هیاتی برای انتشار کتاب تشکیل دادند. قرار است سیاستمداران، نویسندگان، هنرمندان و سایر شخصیت‌های اجتماعی این کشور، هم‌ده‌دار مسئولیت نشر ترجمه آلمانی «آیات شیطانی» شوند. در پارلمان آلمان فدرال، قطعنامه‌ای علیه فتوای جنایتکارانه خمینی به تصویب رسید که در آن، این فتوا اعلان جنگ به جهان متمدن نامیده شده است. نمایندگان پارلمان آلمان فدرال خواهان انتشار کتاب در این کشور شدند. در بحثی که در این مورد در پارلمان این کشور صورت گرفت، نمایندگان همه فراکسیونها رژیم خمینی را به دلیل نقض آشکار حقوق بشر، از جمله در مورد زندانیان سیاسی ایران، محکوم کردند. برای دومین بار طرف دو ماه پارلمان آلمان فدرال جمهوری اسلامی را محکوم کرد. نماینده حزب سبزها طی سخنانی، از گذر وزیر خارجه دولت هلموت کول به خاطر سفر به ایران در اوج کشتار زندانیان سیاسی، به شدت انتقاد کرد و خواهان تحریم اقتصادی رژیم خمینی شد. با این موج اعتراض، کار بسط روابط غرب و تهران بسیار دشوارتر شد. خمینی، در پیام اخیر خود گفته است که برای گسترش این روابط، «ضرورتی وجود ندارد». او، حداقل در دوره فعلی، در اولویت‌های خود، روحیه دادن به حزب الله و «حفظ کبان اسلام» را بر نشان دادن انعطاف بیشتر برای یاری جستن از غرب جهت حل مشکلات رژیم، ترجیح داده است.

تظاهراتی در برابر نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل، سه‌کتابفروشی همده و سراسری ایالات متحده را وادار کردند تا کتاب سلمان رشدی را که فروش آن را متوقف کرده بودند، دوباره در ویتترین های خود بگذارند. در خود انگلیس، چاپ اول کتاب آیات شیطانی تا به آخر فروش رفت. در ایتالیا، که در چاپ اول ۱۵ هزار نسخه به معرض فروش گذاشته شده بود، همه ۱۵ هزار نسخه در همان ساعات نخست به اتمام رسید. در فرانسه، اعتراض یکپارچه افکار عمومی باعث شد تا ناشر ترجمه فرانسوی کتاب، که نخست در مقابل تمدیدات عقب نشینی کرده بود، اعلام کند کتاب را منتشر

می‌کردند. آنچه یک مانع جدی در این راه است، افکار عمومی این کشورهاست. دیگر امروز رابطه با دیکتاتوری تا به این حد خون‌آشامی مانند رژیم خمینی، گران تمام می‌شود. همانگونه که انتظار می‌رفت، نویسندگان سراسر جهان خمینی را محکوم کردند. نجیب محفوظ، نویسنده مصری و برنده جایزه نوبل، که خود نیز در گذشته قربانی سانسور اسلامی بوده است، گفت باید خمینی را به عنوان منشأ «تروریسم فکری» محکوم کرد. معروف‌ترین نویسندگان آمریکا، مانند نورمان میلر، سوزان سانتاگ و گئی تالیز، با ترتیب دادن یک جلسه ترائت کتاب آیات شیطانی و

در هند و پاکستان، به همت آنکه زبان انگلیسی رواج دارد، افراطیون اسلامی زودتر از کشورهای دیگر به فکر هلم کردن قضیه افتادند. حزب الله، قبل از اینکه «رهبر جهان اسلام» در جماران وارد معرکه شود، مقادیر معتناهایی شهید داد تا رشدی مرتد افشا شود. می‌گویند خمینی از طریق گزارش‌های تلویزیونی فهمیده که در بلاد اسلامی، که آن را قلمرو خلافت خود می‌داند، چه خبرها شده است. اخبار این بلوا زمانی به جماران رسید که اگر آقا می‌خواست به همان حد اعتراض آخوندهای پاکستانی و هرب اکتفا کند، کسی به او توجهی نمی‌کرد. مگر در شان نایب امام زمان می‌گنجد که ممالک اسلامی از تضحای چنین منقلب شوند و او با ماهها تاخیر همان کند که پیش از او «آخوندهای درباری» سعودی کرده‌اند؟ پس باید کاری کرد که دیر آمدن، جبران شود. بد هم نیست، شاید تلخی زهر آتش بس را کمتر کند.

آیات شیطانی چه کتابی است؟

اول کتاب است: «برای آنکه دوباره متولد شوید، نخست باید بمیرید.» داستان، روایت یک «مسخ» است: دو هنرپیشه هندی که هواپیمای حامل آنها منفجر می‌شود، به قالب دو مظهر نیکی و بدی درمی‌آیند: جبرئیل و شیطان. اما شخصیت‌های داستان، بیچیک اسامی مطابق با اصل تاریخی خود ندارند. پیامبر خیالی، نامی دیگر دارد، و شمر خیالی، نامی به جز مکه. داستان، روایت رویاها و هم‌های دو مظهر نیکی و بدی است. تصاویری مشابه روایات تاریخی، در خیال شخصیت‌های داستان نقش می‌بندد.

«آیات شیطانی» را خود نویسنده آن، داستان مجامرت، داستان زندگی، داستان تخیل و داستان عشق‌ها نام نهاده است. رشدی، که خود مجامر است، چهارمین رمان خود را به شرحی و هم‌آمیز و رویایی از سیر و سلوکی در زمان هاو مکان‌های مختلف اختصاص داده است. انجام بخش نویسنده، واقعه‌ای است که در تاریخ ثبت شده است. ابن سعد، طبری و سایر مورخان اسلامی که بخش عمده روایات و احادیث مربوط به صدر اسلام، آثار آنها را به عنوان منبع ذکر می‌کنند، حکایت کرده‌اند که محمد، نخست سه خدای مونت را که بسیار مورد هلاقه اهالی بت پرست مکه بودند، به عنوان فرشتگان خدای واحد خود، در قرآن وارد کرد. اما بعد، به پیروان خود گفت که آیات مربوط به این قضیه، نه آیات خدا، که آیات شیطان بوده‌اند. این آیه‌ها از متون بعدی قرآن حذف شدند. سلمان رشدی، از این واقعیت تاریخی، یک تصویر ادبی ساخته است. تصویری که در سراسر کتاب او، جریان دارد و او جام، رویاها و تخیلات را از ورای زمان و مکان به هم پیوند می‌دهد. نویسنده، با سبک سوررئالیستی خود، داستان را از فرود آمدن دوباره مانده انفجار یک هواپیما توسط تروریستها، در خاک انگلیس، آغاز می‌کند. این حمله

همیشه میان نیازهای حکومت کردن آخوندها در داخل ایران، و نیازهای بقای آنها در جهان تضاد وجود داشته است. برای حکومت هم حزب الله همیشه در صحنه لازم است و هم دلار نفتی‌بیم شعار لازم است و هم اسلحه. گاه این دو با هم مقابله می‌شود. ماجرای سلمان رشدی، نمونه‌ای از این قبیل است، که تاجر و سرسختی خمینی نیز، بر ابعاد آن افزوده است. اما با آنکه در هفته گذشته، کشورهای سرمایه‌داری اروپا سفرای خود را «برای مشورت» از تهران فرا خواندند، با آنکه جمهوری اسلامی نیز متقابلاً چنین کرد، با آنکه کشورهای غربی تهدید به اقدامات بیشتری علیه رژیم خمینی کرده‌اند، به نظر می‌رسد از دو سو تلاش زیادی برای مسکوت گذاشتن قضیه به عمل می‌آید. بهشارتی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی، پیشنهاد کرده است که «آتش بس» برقرار شود. ظاهراً این پیشنهاد او مورد پذیرش قرار گرفته است. این نخستین بار نیست که «حقوق بشر» مورد سوداگری دولتهای سرمایه‌داری غرب قرار می‌گیرد. اینجا اگر می‌توانستند، با همین رژیم در همین وضعیت فعلی‌اش گسترده‌ترین و هلی‌ترین روابط را برقرار

درباره ارزش‌گذاری ادبی و هنری «آیات شیطانی» باید صاحب‌نظران اظهار عقیده کنند. آنچه مسلم است، این است که هنوز کمتر کسانی هستند که کتاب را تا به آخر خوانده باشند. کتاب سلمان رشدی، تقریباً در همه کشورهای اسلامی و کشورهایی که بخش قابل توجهی جمعیت مسلمان دارند، ممنوع شده است. سلمان رشدی، به قلمرو وارد شده است که در اسلام، «تابو» محسوب می‌شود. بر چند اقلب آخوندی‌های سایر کشورهای اسلامی، ناچار شدند نوع واکنش جنجالی خمینی را محکوم کنند، اما بدون استثنا در جهت جلوگیری از نشر رمان کوشیده‌اند.

در دهمین سالگرد مبارزات شورایی زحمتکشان ترکمن صحرا یاد تو ماج و همیر زمان گرامی باد !

بقیه از صفحه آخر

در نوزدهم بهمن ماه ۵۸، پاسداران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی با یورش مسلحانه به صف راهپیمایی و تظاهرات زحمتکشان منطقه ترکمن صحرا به مناسبت سالروز تاسیس سازمان، جنگ دیگری را بر مردم منطقه تحمیل نمودند. آنان با همدستی مالکان بزرگ و ارتجاع منطقه در شب هجدهم بهمن ماه فدائیان خلق رفقا: تو ماج، مختوم، واحدی و جرجانی این دلاوران خلق ترکمن را در داخل شهر گنبد ربودند و پس از چند روز با اعمال شکنجه و آزار فراوان به قتل رساندند. در این فاصله مدت ۵ روز متوالی پاسداران جنایتکار با حمایت ارتش مسلح به توپ و تانک به کشتار نیروهای مبارز و مردم بی دفاع پرداختند. آنان ساختمان ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن را با کینه‌های جنون آسا به آتش کشیدند و تخریب و منهدم نمودند. بسیاری از خانه‌های مردم شهر مورد تاراج و چپاول قرار گرفت و روستای "بدلچه" در مجاورت شهر گنبد را به آتش کشیدند. این یورش سبعانه در شرایطی صورت گرفت که دهقانان و زحمتکشان روستاهای ترکمن صحرا بخش عظیمی از زمینهای زراعی خود را از دست زمینداران قاصب پس گرفته بودند. و بیش از ۴۵۰ شورای دهقانی تحت هدایت و سازماندهی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا از کرانه‌های دریای مازنداران تا دامنه کوههای چرگلان در استان خراسان، با اشتراک گسترده روستائیان به وجود آورده بودند. ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا روستائیان را در مبارزه‌شان علیه توطئه‌های زمینداران قاصب و ضدانقلاب یاری می‌نمود و سازماندهی امور کشاورزی زحمتکشان روستاها را در زمینه: کاشت، داشت و برداشت و فروش محصول به عهده داشت. با افزایش تجارب مبارزاتی شوراها و فزاین روزافزون آنها بیش از ۲۵ اتحادیه دهقانی با اشتراک داوطلبانه شوراهای همجوار دهقانی به وجود آمده بود و با ترکیب نمایندگان این اتحادیه‌ها، اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا تشکیل

شده بود. در کنگره‌های نوبتی شوراهای ترکمن صحرا، مهمترین مسائل مبارزاتی و نیازهای عملی با ترکیب نمایندگان شوراها در دستور بحث و تصمیم‌گیری قرار می‌گرفت و هماهنگ با انتشار مرتب "خبرنامه ترکمن صحرا" تجارب فنی و روزافزون شوراهای روستایی منطقه در سطح جنبش عادلانه و حق طلبانه زحمتکشان سراسری میهن اشاعه میشد. شوراها و تعاونی‌های صیادان و سازماندهی و هدایت مبارزات صیادان بندر ترکمن و گمش‌تپه در احقاق حقوق صنفی و دمکراتیک صیادان زحمتکش و سمیم گردیدن آنان در نحوه صید ماهی شیلات بندر نقش قابل توجهی پیدا کرده بود. در شهرهای گنبدو بندر ترکمن توده‌های مردم با تشکیل شوراهای محلات به فعالیت در امور صنفی و اجتماعی می‌پرداختند که به دلیل نقش دمکراتیک و حمایت توده‌ای این تشکلهای حاکمیت اسلامی مجبور شده بود با برگزاری انتخابات شورایی در شهرها، محلا آنها را به رسمیت بشناسد. ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در پیشبرد مبارزات ملی و دمکراتیک از طریق نهادهای فوق در شهرهای مذکور نقش سازمانگرانه و هدایت‌کننده داشته است.

خلق ترکمن که در طول سالیان متعددی حاکمیت جابرانه خاندان منحوس پهلوی از ابتدائی‌ترین حقوق ملی و فرهنگی محروم و سالها سرکوب و تصیقات را متحمل گردیده بود، همگام با خیزش توده‌های میلیونی میهن در جهت احقاق مطالبات ملی و فرهنگی خود و تحقق آرمان‌های عدالت‌خواهانه، انقلاب به پا خاسته بود، کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن که با اتکا بر این ضرورت ملی و تاریخی به همت نیروهای انقلابی هوادار سازمان و روشنفکران دمکرات ترکمن تحت هدایت و رهبری سازمان، بنیانگذاری گردید، تحقق مطالبات فوق را در دستور فعالیت خود قرار داد. کانون در طول مدت یک سال فعالیت هلنی خود به ترجمه آثار ادبی، فرهنگی، تاریخی خلق ترکمن همت گماشت. خطوط زبان

ترکمنی تدوین نمود، شاعران و نویسندگان و مترجمان مترقی این کانون در برنامه‌ها و مراسم شعر و ادب به احساسات پر جوش نسل نوین و انقلابی ترکمن پاسخ می‌دادند. فعالین سازمان ما با سازماندهی و هدایت مطالبات دمکراتیک و صنفی معلمان و فرهنگیان، کانون فرهنگیان و کارکنان ترکمن صحرا را تشکیل داده بودند که حمایت وسیعی از این صنف را پشت سر داشت. کانون فرهنگیان علاوه بر پاسخ‌گویی به خواسته‌های دمکراتیک فرهنگیان با فرستادن اکیپ‌هایی از معلمان و فرهنگیان به محلات و روستاهای منطقه بر مبارزات شورایی زحمتکشان و توده‌ها در شهرها و روستاها تاثیر می‌بخشید. از تشکلهای دیگر می‌توان از کانون مهندسين و تکنسین‌های ترکمن صحرا و اکیپ پزشکی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا نام برد که خدمات فنی، همراهی و درهانی فراوانی برای زحمتکشان روستاها به انجام رسانیدند. کانون زنان ترکمن صحرا در جهت حمایت از زنان زحمتکش و قالبیاف در کنار ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا فعالیت می‌کرد که توانسته بود از طریق زنان مبارز و دمکرات نقش فعالی در جهت شناساندن حقوق برابر زنان با مردان و بیداری آنان داشته و در جذب آنان به هرصه‌های مبارزات دمکراتیک تلاشهای مجدانه‌ای نماید. کانون جوانان پیشگام ترکمن صحرا که به عنوان ارگان دمکراتیک جوانان، در پیوند با مبارزات سازمان پیشگام فعالیت می‌کرد، توانسته بود در محلات شهرهای ترکمن صحرا و بیش از صد روستای پر جمعیت منطقه به احداث کتابخانه‌های محلی و روستایی همت گمارد. مبارزات زحمتکشان منطقه با نقش هملی و سازمانگرانه سازمان، با مبارزات سراسری طبقه کارگر ایران و جنبش خلق‌های مبارز میهن مان پیوند یافته بود. تحولات دمکراتیک و انقلابی در ترکمن صحرا، از جنبه‌های مختلف بر مبارزات آنان تاثیرات خود را می‌گذاشت، مرتجعین و زمینداران بزرگ که پایگاهی در میان توده‌ها نداشتند، در پی به اجرا درآوردن نیت شوم و ارتجاعی خود، با تکیه بر پاسداران آموزش دیده خمینی و با حمایت ارتش جهت برهم زدن وضعیت

منطقه، جنگ خونین دیگری را بر خلق ترکمن و زحمتکشان منطقه تحمیل نمودند. رژیم جنایتکار خمینی و دشمنان عدالت و دمکراسی با قهر و سرکوب و کشتار و جنایات بیشمار به فعالیت هلنی و گسترده ارگان‌های انقلابی و دمکراتیک پایان دادند، اما علیرغم توطئه‌های مکرر و اقدامات سرکوبگرانه و تحمیل جنگ‌های خونین، با سازماندهی نیمه هلنی و مخفی فعالین سازمان، شوراها و اتحادیه‌های دهقانی به شیوه و هرصه نوینی از مبارزات عدالتخواهانه خویش گام نهادند و با اتکاب تجارب خونین خود باهوشیاری تمام توطئه‌های زمینداران و ارتجاع حاکم را به شکست کشانیدند.

به دنبال اقدامات سرکوبگرانه رژیم فقا جمعی از فعالین منطقه به زندان‌ها افتادند و یا تبعید گردیدند و تعداد زیادی به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. رژیم خمینی در سالهای اخیر برای به شکست کشانیدن مبارزات شورایی زحمتکشان و در جهت استقرار نهادهای ارتجاعی و ضد مردمی، توطئه‌های رنگارنگی را به اجرا در می‌آورد. زمینداران و سرمایه‌داران از منظر انتظار تضعیف و تلاشی شوراها و صف متحد دهقان به سر می‌برند. پس از ده سال کشمکش و مبارزات خونین، هنوز هم هیچگونه قانونی از طرف رژیم برای واگذاری دائمی زمین‌ها به کسانی که بر روی آن کار می‌کنند به اجرا در نیامده است. رژیم خمینی خواسته‌های اصلی و اساسی دهقانان را با توجیهاتی از قبیل "مصلحت اسلام و رژیم" و غیره به باد فراموشی سپرده است. استراتژی رژیم فقا مدافع زمان، تضعیف و تلاشی پیوند شوراها با زحمتکشان و در نهایت برگرداندن زمینها به ملاکین و فاصبین سابق می‌باشد.

خلق ترکمن و زحمتکشان منطقه که برای زمین و آزادی و تحقق مطالبات ملی و فرهنگی و تامین حق تعیین سرنوشت تجربه سرشاری را پشت سر دارند و در این راه فرزندان دلاور و راستینی را از دست داده‌اند با تکیه بر وحدت بخش دستاوردهای مبارزات شورایی و بهره‌گیری از شیوه‌ها و اشکال متنوع و منطبق بر شرایط کنونی منطقه، همچنان مبارزات حق طلبانه، دمکراتیک و عادلانه خود را ادامه خواهند داد.

دویست سالگی فتح باستیل

انقلاب فرانسه، سرآغاز عصری جدید

منافع بخشهای سیاسی اجتماعی مختلف اپوزیسیون ضد فئودالی و ضد خودکامگی را بسیار نیرومندتر بهم پیوند می داد. شرط اصلی چنین اشتراک منافع، در انطباق حداقل موقت منافع طبقاتی و سیاسی بورژوازی با منافع کل ملت بود. این انطباق موقت - تاکید می کنیم: موقت - منافع و آرمانها، جوهر "توهم حماسی" در انقلاب بزرگ فرانسوی هارا تشکیل می داد. منافع بورژوازی، به همان میزان که منافع ملی و فراتر از آن، حکم کلی آزادیخواهی بشریت را بازتاب می دادند، دارای اثر بخشی تاریخی شدند...

۴. نقش مستقل و موثر جنبش توده ای دهقانان و تنگدستان شهری، نه تنها بعنوان نیروئی خودبخودی و انفجاری، بلکه بعنوان نیروئی با وزن مستقل سازمانی و دعوی برنامه ای... انقلاب بورژوازی، چیزی بیش از یک انقلاب بورژوازی یا انقلابی برای بورژوازی است، و از چارچوب منافع بورژوازی، که هژمونی را اعمال می کند، بسیار فراتر می رود...

۵. نوع رویارویی انقلاب و ضدانقلاب - داخلی و خارجی - در انقلاب فرانسه نیز از مشخصات ویژه انقلاب ۱۷۸۹ است.

۶. اهمیت تاریخی یک انقلاب، از جمله در تاثیر آن در خارج از مرزهای دایره عمل منطقه ای آن است. از این لحاظ نیز دارای جایگاه ویژه ای است که کیفیت تحول آور آن را مشخص می کند. ... انقلاب فرانسه علاوه بر جنبه ملی و فرانسوی آن، یک انقلاب *قاره ای* (اروپایی) بود، آن هم حتی پیش از اینکه ارتش آن از مرزها بگذرد. انقلاب فرانسه، همچنین به یک انقلاب جهانی تبدیل شده، نه تنها از لحاظ ذهنی و در رابطه با خواستهای عموم بشری آزادیخواهانه اش، بلکه همچنین به لحاظ عملی و از طریق گسترش به خارج از اروپا، که نمونه آن، جنبش استقلال آمریکای مرکزی و جنوبی، و در ارتباط با آن، تلاشی نظام سنتی استعماری،

انقلاب و تغییر صورت بندی

این تصمیم افقی (جغرافیایی) بایک تصمیم عمودی همراه بود. هیچ عرصه زندگی اجتماعی، از تاثیر انقلاب فرانسه محزون نماند: از مفهوم مالکیت بورژوازی گرفته تا اندیشه های سیاسی راهنمای جدید دوران، ساختارهای نهادی و حقوقی جامعه مدنی و دگرگونی هادر جهان بینی فلسفی و تاریخی و معیارهای زیبایی شناسی در ادبیات، موسیقی، هنرهای زیبا، که شامل فانتزی اتوپیک معماری انقلاب نیز بود. *بصر بورژوازی* شکل گرفت.

در نتیجه انقلاب ۱۷۸۹، رابطه انقلاب و دگرگونی اجتماعی، کیفیت جدیدی یافت. با انقلاب فرانسه، جامعه بورژوازی بر انزوای منطقه ای (هلند)، جزیره ای (انگلیس) و حاشیه ای (ایالات متحده) فائق آمد.

تحولات بعدی، نشان داد که انقلابات تنها به نوع انقلاب ۱۷۸۹ که می توان آن را "انقلاب در فئودالیسم علیه فئودالیسم" توصیف کرد، محدود نمی شود. در مورد آلمان، در سال ۱۸۴۸ انقلاب تحت شرایط ضعف یک نظام کهنه کاستی صورت گرفت که تا حد زیادی بر اثر اصلاحات، بقیه در صفحه ۱۴

فردا، سعادت مندتر از امروز. نهادن ارث بعنوان مبنای حکومت امروز دیگر تقریباً در همه جای دنیا مسخره به نظر می رسد. دویست سال پیش، در هیچ کشوری چنین نبود. امروز همه حکومتها به جز موارد معدودی - می پذیرند که قدرت باید از اراده اکثریت برخیزد. دویست سال پیش مردم فرانسه برای تحمیل همین خواست قربانی ها دادند.

انقلاب فرانسه سرآغاز عصر جدید است. در این شماره، بخشهایی از سخنرانی پرفسور مانفرد کوسک از آلمان دموکراتیک در مورد انقلاب فرانسه را که در تاریخ ۸ اکتبر ۱۹۸۸ در یک گردهمایی علمی در فرانکفورت (آلمان فدرال) ایراد شده است می خوانیم:

برای آنکه طبقه بندی نوع شناسانه و تاریخی یک انقلاب از جمله انقلاب ۱۷۸۹ - معنا بیابد، باید در مورد دو جنبه مهم، روشنی وجود داشته باشد: اولاً در این باره که انقلاب نه تنها جایگزینی یک نظام اجتماعی به جای دیگری را رقم می زند، بلکه همچنین می تواند ابزار ادامه تثبیت یک نظام سیاسی - اجتماعی که قبلاً تحکیم شده است، باشد. ثانیاً باید میان انقلاب به مفهوم خاص و انقلاب به مفهوم عام آن تفاوت قائل شد. مفهوم اول، شامل لحظه تاریخی نسبتاً کوتاه حل مسئله قدرت (تثبیت طبقه یا قشر جدیدی در قدرت) و مفهوم دوم در برگیرنده روند بسیار طولانی تر تحکیم و گسترش نظام جدید (تأمین ساختار آن) است. این دو مفهوم، در موارد بسیاری بطور مغموش بکار گرفته می شوند و تفاوت میان آنها نادیده می ماند.

جایگاه ویژه انقلاب ۱۷۸۹

آنچه به انقلاب فرانسه در مجموعه انقلابات عصر جدید - بم انقلابات پیروزمند و هم انقلابات شکست خورده، که البته این دسته دوم اغلب بنادرستی فراموش می شوند، در حالیکه اکثریت را تشکیل می دهند - جایگاه ویژه ای می دهد، می توان بدینگونه جمع بندی شود:

۱ - انقلاب فرانسه، در دوره انقلابات عصر جدید، نقطه اوج و نقطه عطف محسوب می شود. انقلاب فرانسه، به همراه انقلاب صنعتی در انگلیس، مبنای انقلاب دوگانه ای را تشکیل می دهد که در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ روی داد و به رهگشایی نهایی جامعه مدنی انجامید.

۲ - انقلاب فرانسه، تنها انقلابی بود که نه به یک سازش اجتماعی و سیاسی با قدرت حاکمه پیشین، بلکه به تحکیم حکومت "خالص" بورژوازی انجامید...

۳ - نقش اهرم وار ویژه انقلاب فرانسه در مقابل رژیم پیشین، نتیجه نیروهای محرکه "بلوک انقلابی" بود بلوکی که در معیاس با سایر انقلابات

امسال انقلاب فرانسه دویست ساله می شود. از زندان مخوف باستیل پاریس که پادشاهان، مردم آزاداندیش را در آن به بند می کشیدند، همانقدر مانده است که از بساط سلطنت: نامی در تاریخ با گذشت دویست سال از آن روزهای توفانی که خلق فرانسه، نخستین جمهوری خود را برپا کرد، هنوز راه "انقلاب مردم کوچه و بازار" الهام بخش پیکارگران برای آزادی است. "آزادی، برابری، برادری!" این طنین سترگ آرمان بشر دوستانه فاتحان باستیل، هنوز به گوش می رسد. هنوز تا آزادی، برابری، برادری کامل، راهی طولانی در پیش است. اما عصری که با سال ۱۷۸۹ آغاز شد، جهان را دگرگون کرد. مردم امروز، سعادت مندتر از دیروزند، و مردم

انقلاب ۱۷۸۹ دارای اهمیتی مرکزی و محوری برای گذار از جامعه فئودالی - کاستی به جامعه مدرن مدنی است. البته نمی توان این تغییر صورت بندی را تنها به ۱۷۸۹ محدود کرد. تذکر این نکته، به معنای کاستن از اهمیت تاریخی انقلاب فرانسه نیست، بلکه بیشتر بدین منظور است که ویژگی نقطه عطف ۱۷۸۹ را بهتر دریابیم.

بطور تخمینی، کنار زدن نظم فئودالی - کاستی و سایر مناسبات ماقبل بورژوازی، دوره ای معادل بیش از سه قرن را در بر می گیرد، دوره ای که از اوایل قرن شانزدهم تا اواسط قرن نوزدهم بطول انجامید. در اینجا در سه دهه اول سخن از اروپا، بخشهای بزرگی از آمریکای شمالی و جنوبی و نیز ژاپن است، این دگرگونی نتیجه سه روند است:

۱ - تحول اقتصادی - ساختاری، همراه با مراحل مختلف آزاد سازی شیوه تولید سرمایه داری، از سرمایه داری اولیه تا دوره مانوفاکتوری و تا گسترش کامل انقلاب صنعتی.

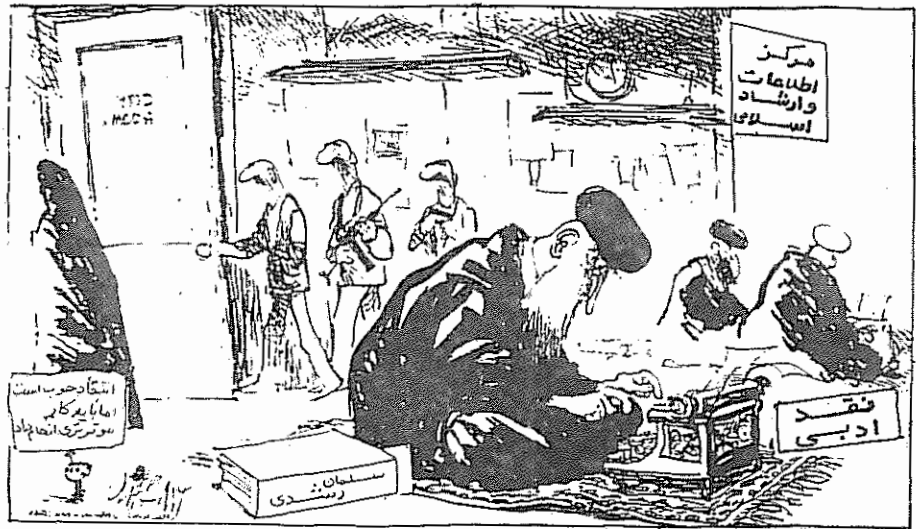
۲ - تحول سیاسی - اجتماعی، که ظهور بورژوازی و شکل گیری آن بعنوان طبقه ملی در نتیجه یک دوره از انقلاب، می تواند بعنوان روند مرکزی آن محسوب شود، و البته یگانه نمود آن نیست.

۳ - تجدد فکری - فرهنگی تحت تاثیر ارزشهای مدنی - فردی، که ریشه های آن به رنسانس باز می گردد. این تجدد خواهی پس از رنسانس در فلسفه قرن شانزدهم بازتاب یافت در فرانسه و ادبیات دوره روشنگری (به ویژه فرانسه) به نخستین نقطه اوج خود رسید و در فلسفه کلاسیک کانت تا هگل، به بالاترین درجه ارتقا یافت.

بر این سه روند می توان یک جنبه چهارم هم افزود: پیدائی دولت امروزی، که چارچوب نهادی آن، ابزارهای مهمی بر علیه یا بر له روندهای دگرگونی که در دستور بود را شامل می شد.

انتقاد اسلامی

کاریگاتور از نشریه گاردین ویکی



کیمیا
دوشنبه ۲۶ دی ۱۳۶۷

**گرمندی با پیریدن از طبقه نهم
اداره‌اش خودکشی کرد**

یکی از کارمندان شرکت مخابرات روز شنبه با پیریدن از طبقه نهم ساختمان شماره دو مخابرات واقع در وی ۲۳ ساله و «مصده» نام داشت و راتنه اداره مخابرات کابل شرکت مخابرات بود که روز شنبه پس از اتمام ساعت کار اداری از پهل کارش واقع در طبقه نهم ساختمان شماره دو مخابرات به طبقه هشتم می‌آید و سپس از بالکن خود را به پایین پرتاب می‌کند. یکی از همکاران نامبرده پیرمؤمن چگونگی این حادثه دلشراش به خبرنگار ما گفت: «مصده» در روز حادثه از درماندگی و فقر شکایت می‌کرد. و مسئول راتنه‌گان موانب وی بود که بلای پیرس خود نیاورد. ولسی‌نامبرده در یک فرصت از محل کارش واقع در طبقه نهم به طبقه هشتم می‌آید و از آنجا خود را به پایین پرتاب می‌کند.

همین گزارش حاکیست: دستخاسته نامبرده از جیبوی کفش شد که در آن به ۲۰۰ هزار تومان بیهی و این که حشرش یک ماه پیش برائی بیاری فوت کرده آثارشده است. در این دستخاسته آمده است: بنگالام تصویرمی‌کنند که من برای درمان حشرش اقدامی نکردم و یا اشتیاقین سررفها از بجه‌مای خجالت می‌کنیم...

پیشنهاد به پینوشه

امام خوش‌بو

کی به کیه؟!

پینوشه، که بعد از رای منفی مردم شبلی گفته بود "مسیح را هم مردم درک نکردند"، اخیرا افاضات تازه‌تری از خود بروز داده است. دیکتاتور شبلی گفته است که اپوزیسیون در فراندوم "تقلب" کرده و با "میلیون‌ها دلار پول خارجی" فراندوم را برده است. لابد فکر می‌کنید منظور پینوشه از "پول خارجی" همان "روبل" بوده است؟ اما نه، اشتباه می‌کنید! تجارب "موفق" خمینی به پینوشه یاد داده است که باید "ضدامپریالیست" باشد؛ او از آمریکا، هلند، آلمان غربی، فرانسه و سایر کشورهای غربی به عنوان منبع این "کمک خارجی" اسم برده است. پینوشه همچنین گفته است حزب سوسیالیست چپ شبلی که اخیرا بطور قانونی اعلام موجودیت کرد، پوششی برای حزب کمونیست است و اگر چپ‌ها بیش از این او را هصبانی کنند، مجبور است مثل سال ۱۹۷۳ آنها را "چارو" کند! پینوشه تاکید کرده است پس از اتمام دوره ریاست جمهوری خود هم، در مقام فرمانده کل نیروهای مسلح شبلی، با "توپ آماده شلیک" بر سیاست این کشور نظارت خواهد کرد!

اگر پینوشه اینقدر به قدرت دل بسته است، یک پیشنهاد بدیع به او این است که از خمینی یاد بگیرد و اگر دیگر نتوانست رئیس‌جمهور بماند، لائول ولایت فقیه را برای خود نگه دارد، تا کسی دست از پا خطا نکند!

زهرام‌مصطفوی، دختر خمینی، در مصاحبه با روزنامه آمریکایی واشینگتن پست، گفته است که پدرش روزی ۶۰۰ بار به خود اذکدن می‌زند. زهرام‌مصطفوی می‌گوید اتاق پدرش همیشه "بوی بهشت" می‌دهد. دختر خمینی همچنین گفته است که "آقا" آنقدر بهداشتی است که نان را هم با قاشق می‌خورد.

"از نهضت‌های اسلامی در کشورها حمایت می‌کنیم..... ما خودمان را مسئول می‌دانیم که بطور کامل از این نهضت‌ها حمایت کنیم."

"با هر گروه و دسته‌ای که بخواهد علیه انقلاب و منافع مردم ایران حرکت کند با شدت برخورد می‌کنم"

"وزارت اطلاعات... بازوی وزارت کشور است."
اینها سخنان آخوندقلدری بنام محتشمی است که در جمهوری اسلامی وزیر کشور است و برای خودش مافیایی از کمیته‌چی‌ها و قداره‌بندها درست کرده است. این حاج آقا هم دیگر سری در سرها دارد و خودش یک پا جناح است!

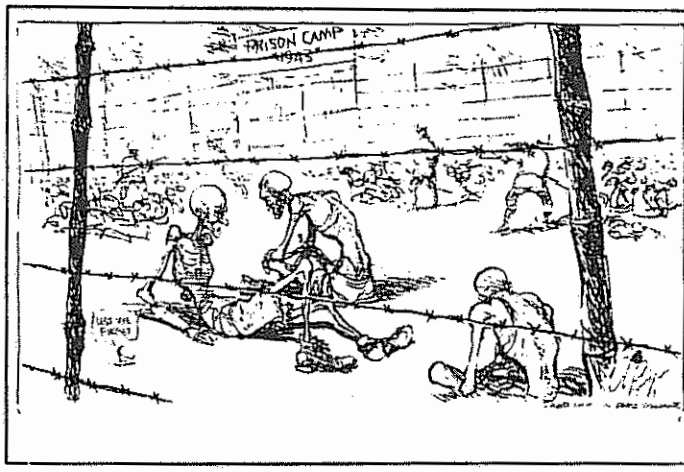
بوئینگ
و کار دقیق
هواپیماسازی

اخیرا در بریتانیا یک هواپیمای بوئینگ به علت آتش گرفتن یک موتور آن، مجبور به فرود اجباری شد که به کشته شدن شمار زیادی از مسافران آن انجامید. تامدتی، کارشناسان نمی‌دانستند چرا با اینکه یک موتور هواپیما آتش گرفته بود، خلبان، موتور دیگر را هم خاموش کرده است. بلاخره، تحقیقات، پاسخ به این سؤال را روشن کرد: هلائم الکتریکی در صفحه جلوی خلبان، به علت عوض شدن جهت چپ و راست در نصب آن به خلبان خبر نادرستی در مورد اینکه کدام موتور آن آتش گرفته است، داده بود. در نتیجه، خلبان، موتور سالم را هم خاموش کرد!

در حاشیه مرگ هیر و هیتو

جنازه مفصل هیر و هیتو چاپ کرده است. روی تابلوی بالا، نوشته است: اردوگاه اسرا - ۱۹۴۳ (منظور اردوگاه‌هایی است که متجاوزان ژاپنی اسرای خود را در آن نگهداری می‌کردند). یکی از زندانیان به دیگری می‌گوید: "می‌دانی بلافاصله پس از جنگ می‌خواهم کجا بروم؟ به تشییع جنازه هیر و هیتو".

هیر و هیتو امپراتور ژاپن اخیرا درگذشت. وی در زمان جنگ جهانی دوم نیز امپراتور بود. و هلیرشم فجاجع میلیتاریسم ژاپن، پس از جنگ نیز با موافقت آمریکا در این سمت باقی ماند تا امپریالیسم ژاپن نهادهای سنتی نظام حکومتی خود را حفظ کند. روزنامه گاردین چاپ انگلیس کاریگاتوری در رابطه با تشییع



مصاحبه‌ای با سلمان رشدی
من کتاب خود را
برای آخوندها
نوشته‌ام
بتیاه از صمحه ۸

تقریباً همه افرادی که تا این حد احساس امانت و تحریک و بی‌زاری می‌کنند، کتاب را در واقع نخوانده‌اند. اما من هر روز از مسلمانانی که به این کتاب علاقه‌مندند، نامه دریافت می‌کنم. آنها به من نامه می‌نویسند تا بگویند همه مسلمانان مثل آنها می‌نویسند که کتاب می‌سوزانند. آنها می‌گویند که از آنچه ائمه می‌کنند، شرمگینند، و می‌گویند این رهبران مذهبی با رفتاری تا این حد غیر متمدنانه، مایه ننگ جامعه مسلمانان این کشور شده‌اند. بنابراین، این ادعا که آنچه من می‌گویم، به گونه‌ای تعرض به اسلام است، مورد مخالفت من است. من اصل و نسب اسلامی دارم، و در خانواده من در شبه قاره هند، آمادگی مطلق برای بحث درباره همه چیز وجود داشت. از این موضوعات ممنوعه و قواعدی که نمی‌توان درباره آن سخن گفت، خبری نبود. من هم از اسلام اطلاع دارم. اسلام این متعصب‌ها، تنها نوع اسلام نیست.

شما در جمله اول بعنوان یک نویسنده جهانی - و گاه شاید هندی، پاکستانی و یا بریتانیایی - شناخته شده‌اید. اما با این کتاب، به نظر می‌رسد شما تبدیل به یک نویسنده اسلامی شده‌اید.

هر کس هر یک از کتابهای مرا بخواند، می‌داند که نفوذ اسلام تا چه حد نیرومند بوده است. این امر که من خود را یک فرد مذهبی نمی‌دانم، به این معنی نیست که منکر اهمیت اسلام در زندگی خود هستم. اگر شما اهل هند یا پاکستان باشید، چگونه می‌توانید منکر تاثیر مذهب بر خود شوید؟ مذهب، فضایی است که همه تنفس می‌کنند. اگر بکشید در باره جهان بنویسید، نمی‌توانید مذهب را بسادگی نادیده بگیرید. شما باید به آن بپردازید، زیرا مذهب محور فرهنگ این کشورهاست.

در اساس، آنچه مخالفان را برانگیخته، موارد مشخص توهین نیست، بلکه نفس تردید است.

به نظر من، شک کردن، شرط اصلی انسان بودن در قرن بیستم است. یکی از تجارب مادر قرن بیستم، بعنوان نسل انسان، این است که چگونه اطمینان، خلل می‌پذیرد. امروز دیگر ما نمی‌توانیم در باره محیط پیرامون خود، دید ثابت و بلاشکیری داشته باشیم. میری که پشت آن نشسته‌ایم، زمین زیر پایمان، قوانین علم، همه امروز در معرض تردیدند. هر چه ما می‌دانیم، نشان از شک دارد و نه اطمینان. و این است اساس آن نهضت بزرگ هنری که به مدرنیسم شهرت یافته است. حال اگر عناصر ارتدکس جهان اسلام، علیه مدرنیسم اعلام جهاد کرده‌اند، گناه من نیست. این اعلان جنگ، یک نظام نگرش به جهان را که به نظر من، مهم‌ترین سهم قرن بیستم در شکل دادن به نحوه بحث بشر درباره خود محسوب می‌شود، بی‌اعتبار نمی‌کند.

دو شعر از:
گارسیا لورکا

نایبوسان

لحظه

او

مردم مانند در کوچه،
دشمنه در سینه.

هیچ که اش نمی‌شناخت.
فانوس، چه می‌لرزید!

مادر!

فانوس کوچک، چه می‌لرزید!
پگاه بود.

هیچ که نتوانست

بر چشمان باز او، در هوای سخت،
خم شود.

مردم، آری، او

مردم مانند در کوچه،
دشمنه در سینه.

و هیچ که اش نمی‌شناخت، هیچ که

چون بمیرم!

خاکم کنید با گیتارم

زیر میدان.

چون بمیرم،

میان نارنجستان‌ها

و بوته‌ی نمنا.

چون بمیرم،

خاکم کنید - اگر خواستید -

در یک بادنا.

چون بمیرم!

کمک‌های مالی رسیده

سوئد

از طرف سارا از اپسالا

پیروز از اپسالا

به یاد فدائی شهید محمود ذری‌یور

کادوئی تولید امیر

کمک اهدائی هواداران سازمان از بخش وستوس

به واحدهای فدائی داخل کشور

کمک مالی رفقای امئو به رفقای داخل

کمک مالی رفقای گوتنبرگ به رفقای داخل

فرانسه

برای کمک به خانواده شهدای کشتار اخیر از فرانسه

مسعود از پاریس از فرانسه

پویا از فرانسه

توما از فرانسه

انوش از فرانسه

صلح از فرانسه

از شهر لیل فرانسه

Allien از پاریس از فرانسه

۱۰۰۰۰ کرون

۱۰۰۰ کرون

۵۰۰ کرون

۵۰۰+۱۵۰۰ دلار کرون

۲۵۰۰ کرون

۱۲۰۰ کرون

۱۳۵۰ کرون

۳۷۰ فرانک

۷۰ "

۴۳۰ "

۲۲۰ "

۸۰ "

۳۵۲ "

۵۶ "

۱۲۵۰ "

بقیه از صفحه آخر

اعلام وضع فوق العاده در افغانستان

کمک‌های نظامی اسلام آباد به ضدانقلاب افغانی نشده است. دولت افغانستان اکنون خواهان استقرار نیروی پاسدار صلح سازمان ملل در امتداد مرزهای دو کشور است. به گزارش خبرگزاری‌ها، اتحاد شوروی می‌کوشد در شورای امنیت قطعنامه‌ای به تصویب برسد که در آن، همه طرف‌های درگیر، به ویژه اپوزیسیون مسلح افغانستان، دعوت به بیشترین حد از خویشتن‌داری و تشکیل یک دولت ائتلافی گسترده در کابل شوند.

نیروهای دولتی افغانستان، یک حمله ضد انقلاب به شهر مرزی خوست در شرق این کشور را دفع کردند. این حمله با رهبری نظامیان پاکستانی صورت گرفت. فیلیکس آرماکورا، مامور ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد افغانستان اعلام کرد که وضعیت رعایت حقوق بشر در زندانهای افغانستان بهبود یافته است. وی در همین حال به موارد متعدد نقض حقوق بشر از سوی

شورشیان در کنوز، قندهار و ننگرهار علیه سربازان، کارمندان و خانواده‌های آنها اشاره کرد و افزود در این باره فیلمها و عکس‌هایی نیز وجود دارد که این موارد را اثبات می‌کند.

احزاب سنی ضد انقلاب افغانستان که بدون شرکت گروه‌های طرفدار رژیم خمینی در شهر راولپنڈی پاکستان شورای خود را تشکیل دادند، نخست احمد شاه معاون رئیس "اتحاد اسلامی" را به عنوان "نخست‌وزیر دولت موقت" خود برگزیدند. محمد بنی‌محمدی، رهبر "حرکت انقلاب اسلامی" بعنوان "رئیس‌جمهور شورشیان" انتخاب شد. احمد شاه بنیادگرا و محمدی، "میان‌رو" به حساب می‌آید. "دولت" ضد انقلاب افغانستان ۳۵ وزیر (!) دارد. در میان ضدانقلابیون، احمد شاه به ویژه از آن رو با مخالفت گسترده روبرو است که از سالها پیش از پاکستان خارج نشده است. او سالها

در آمریکا و عربستان سعودی سکونت داشته و با دربار سعودی رابطه نزدیکی دارد.

اندکی پس از اعلام انتخاب احمد شاه به عنوان "نخست‌وزیر" ضدانقلاب، منابع نزدیک به اپوزیسیون افغانستان در پاکستان گفتند به هلت مقاومت مخالفان احمد شاه، به ویژه سرکردگان دستجات مسلح داخل افغانستان، به احتمال زیاد گزینش احمد شاه مورد تجدیدنظر قرار خواهد گرفت برای حل اختلافات درونی ضدانقلاب، هفت حزب ائتلاف پیشاور یک کمیسیون ۱۴ نفری تشکیل داده‌اند. به گزارش رادیوی جمهوری اسلامی در این کمیسیون صیغ الله مجددی را به جای احمد شاه به نخست‌وزیری انتخاب کرد.

رادیو کابل گزارش داد. عملیات تجسسی موفقیت‌آمیزی در شهر کابل، به کشف مقادیر زیادی مواد منفجره و اسلحه، از جمله مین، بازو، کاسه مسلسل، تایمر

بمب و سیم برای انفجار بمب انجامیده است. همچنین از ضدانقلابیون مواد سمی بدست آمده است.

نجیب‌الله رئیس جمهوری افغانستان در پیامی به ۱۲ کشور عضو بازار مشترک اروپا، چین، هند، کوبا و زیمبابوئه و نیز سازمانهای بین‌المللی، از آنها خواست که به حل سیاسی مسئله افغانستان کمک کنند. وی همچنین طی سخنانی تاکید کرد اعلام موقتی وضعیت فوق العاده، به معنای کنار گذاشتن سیاست مصالحه ملی نیست. نجیب‌الله افزود: "مصالحه تنها آلت‌ناتیو واقع‌بینانه برای صلح و آرایش در افغانستان است"، رئیس‌جمهور افغانستان از مردم این کشور خواست از آزادی و استقلال میهن خود دفاع کنند.

دولت آمریکا همچنان به کمک نظامی به ضدانقلابیون افغانی ادامه خواهد داد. این امر در هفته گذشته نیز از سوی هارلین فیتس‌واتر، سخنگوی کاخ سفید و جیمز بیکر وزیر خارجه ایالات متحده مورد تاکید قرار گرفت.

پوچ "مخالفت ورزید. برای اوراهی جز توسل به اخلاق و اندرز باقی نماند. آنچه فیر اخلاقی است، فیر سیاسی است... و بالاخره کار رو بسپیر به پرستش "عالم‌ترین موجود" رسید و سرنوشت، او را به جانب اندیشه ولتر کشاند: "اگر خدا وجود نداشت، می‌بایست اختراع می‌شد." این، سخنان خود رو بسپیر است.

رو بسپیر، انقلاب فرانسه را مرحله‌ای از راه جهان به سوی رهایی می‌دید: "جهان تغییر کرده است و بازم باید تغییر کند... نیمی از انقلاب جهانی صورت گرفته است، و نیمه دیگر باید تحقق یابد." به گفته رولف هوخ هوت، هر دوره تاریخ، اهرام ثلاثه خود را می‌سازد. طبق این تعبیر، انقلاب فرانسه، بیش از همه اسلاف خود، فصل بزرگی از اندیشه او توپایی را نوشته است. نسل انقلاب فرانسه، با همه تناقض و چندپارچگی خود، نسلی بود که از پیکارها و قربانی‌هایش، آرزوهای آینده فراورید.

"آزادی، چیزی جز یک توهم پوچ نیست. اگر یک طبقه انسانی بتواند دیگری را بدون مجازات به گرسنگی بکشد. برابری، چیزی جز یک توهم پوچ نیست اگر فنی با کمک انحصار، از حق تعیین زندگی و مرگ ممنوع خود برخوردار باشد." این، نه یک متن چپ زمان ما، بلکه بخشی از "مانیفست بر خاستگان" است که در ژوئن ۱۷۹۳ نوشته شد.

یک مورخ، باید به این پرسش پاسخ دهد: آیا انقلاب فرانسه، یک تصادف، یک انحراف تاسف‌آور تاریخ بود یا یک ضرورت، که میراث آن، برای مردم امروز و فردا نیز حقوقی طلب درنی بمرهه دارد؟

این امر نیز هست که این انقلاب در کلیت خود، بسیار از حد میانگین لیبرالیسم فراتر رفت و از نقطه معینی، حتی علیه اکثریت بورژوازی به قدرت رسیده، به پیش برده شد. آیا این روند، یک انحراف و تخریب انقلاب بود و یا برعکس، ضرورتی عینی بود برای آنکه با دست بازیدن به قلمرو ناممکنات، ممکناتی که به لحاظ تاریخی تحقق پذیر بود، بطور دائمی تحکیم شود؟ این چارچوب شکنی بازتاب نهادی خود را در ژاکوبینیسم یافت. اما خود ژاکوبین‌ها، مرز آشکاری در برابر پیشروی انقلاب کشیدند. رد اکید دیکراسی مستقیم.

رابطه تنش‌آمیز مژمونی اجتماعی و مژمونی سیاسی بسیار سخت‌تر و متضادتر و در نهایت، فاجعه‌آمیزتر از سایر انقلابات، شکل گرفت که بطور مستقیم اعمال قدرت می‌کردند. تلاش برای قلبه "سرمایه‌داری دهقانی" بر "سرمایه‌داری بورژوازی" از سوی ژاکوبین‌ها، ناموفق ماند. این چیزی نبود جز شکست دیکراسی.

شخصیت رو بسپیر، نمونه‌ای است برای تلفیق ناپذیری خواسته‌ها و واقعیت، برای ناپایداری بودن اولویت ذهن بر آرایش عینی نیروهای طبقاتی. اندیشه و عمل رو بسپیر نشان می‌دهد که نیروی مژمون سیاسی، چگونه بطور فزاینده با تضاد میان اکثریت بورژوازی که از انقلاب روگردان است، و جنبش توده‌ای، روبرو می‌شود. یک مثال بی‌اوریم. رو بسپیر در بحث پیرامون قانون اساسی در سال ۱۷۹۳، "مدم تناسب فاحش اموال" را محکوم کرد، اما در همین حال با "برابری ثروت‌ها (بمثابه) یک توهم

دوستانه‌ای فتح یا تسخیر

انقلاب فرانسه، سرآغاز عصری جدید

بقیه از صفحه ۱۱

سست شده بود. این انقلاب، یک "انقلاب در راه به سوی سرمایه‌داری" بود و هدف از آن، به‌تمام رساندن انقلابی - دیکراتیک دگرگونی اجتماعی بود که از طریق محافظه‌کارانه - فرمبستی آغاز شده بود. اما انقلاب همزمان فرانسه در سال ۱۸۴۸، بر زمینه یک نظام بورژوازی کاملاً تحکیم‌یافته صورت گرفت. درگیری نه علیه، بلکه درون سیستم جریان یافت: "انقلاب در سرمایه‌داری". البته این الگوی کلی دگرگونی‌های انقلابی که تا زمان کمون معتبر است، در مرصه آن انقلاباتی که در محور آن، مسئله ملی یا استعماری قرار داشت، تغییرات مهمی می‌کند. هر چه از "محور مرکزی" انقلاب و نوع ۱۷۸۹ آن دورتر می‌شویم، پدیده‌های "فیرهادی" در روند انقلابات عصر جدید، بیشتر خود را نشان می‌دهند: بازتاب وحدت در تنوع.

یک واقعیت دیگر نیز برای خلصت و ابهاد نقطه مطلق ۱۷۸۹، اهمیت دارد: از ۱۷۸۹ به بعدش دگرگونی اجتماعی دیگر نه تنها از راه انقلاب، بلکه همچنین از راه اصلاحات امکان پذیر شد.

مژمونی و اتوپی

آنچه انقلاب فرانسه را در چارچوب دوره انقلابات عصر جدید بطور ویژه برجسته می‌کند،

پیروزی سیاسی انقلابیون السالوادور

در گفتگوهایی که در مکزیک صورت گرفت، نمایندگان جبهه رهایی بخش ملی فارابوندو مارتی و همه احزاب سیاسی السالوادور، سندی را امضا کردند که در آن، از پیشنهاد آتش‌بس انقلابیون، استقبال شده است. در این سند بر ضرورت برداشتن گام‌های بیشتری به سوی پایان دادن جنگ داخلی در السالوادور تاکید گردید. در مذاکرات مکزیک، همه سیزده حزب السالوادور، از جمله دمکرات مسیحی‌ها، حزب دست راستی آرنا و ائتلاف چپ اپوزیسیون شرکت داشتند و سند مشترک را امضا کردند. این سند از دولت السالوادور می‌خواهد که فوراً با انقلابیون این کشور در مورد پیشنهادهای جدید و تدقیق شده آنها وارد مذاکره شود.

طبق پیشنهاد جبهه فارابوندو مارتی، باید در السالوادور آتش‌بس برقرار شود و یک رئیس جمهور موقت و مستقل، انتخاب گردد. جبهه فارابوندو مارتی پیشنهاد کرده است پس از پایان جنگ مسلحانه وارد زندگی سیاسی رسمی کشور شده، چهار ماه پس از برقراری آرامش در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند. در پیشنهاد جبهه فارابوندو مارتی آمده است جنگ مسلحانه زمانی می‌تواند پایان یابد که

مسئولان جنایات علیه مردم مجازات شوند و دستگاه امنیتی رژیم دوارته منحل شود. جبهه فارابوندو مارتی اعلام کرده است موجودیت ارتشی را که در خدمت دمکراسی و دفاع از حاکمیت ملی باشد، به رسمیت خواهد شناخت. طبق این پیشنهاد، شمار افراد ارتش باید از ۵۵ هزار به ۱۲ هزار نفر کاهش یابد. این پیشنهاد می‌افزاید برای تحقق این موارد، باید سه کمیسیون تشکیل شوند و کار خود را تا ۱۹ مارس، موعده پیش‌بینی شده از سوی رژیم برای انتخابات ریاست جمهوری پایان دهند. موضوع کار این کمیسیونها باید آتش‌بس، اصلاح نظام انتخابات و هماهنگی نظارت بین المللی بر انتخابات باشد.

خورخه شفیق مندل، دبیر کل حزب کمونیست و فرمانده نظامی جبهه فارابوندو مارتی السالوادور، همچنان بر ضرورت به تصویب افتادن انتخابات از ماه مارس به ماه سپتامبر تاکید کرد. هکس، چهار تن از فرماندهان جبهه فارابوندو مارتی، از جمله مندل (نفر دوم از سمت راست) را در مکزیک در جریان مذاکرات با نمایندگان احزاب سیاسی السالوادور نشان می‌دهد.



تغییر قانون اساسی مجارستان

بنا به پیشنهاد کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگران مجارستان، قرار است در طرح قانون اساسی جدید این کشور تاکید بر نقش رهبری این حزب در مجارستان حذف شود. رهبری حزب اعلام کرده است که از این پس، کمونیستهای مجارستان باید با ارائه برنامه‌ای قانع کننده، نقش رهبری را حفظ و در رقابت با سایر احزاب، از آن دفاع کنند.

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیستهای مجارستان، طرحی را تصویب کرد که به موجب آن، در قانون اساسی جدید، اصل برقراری نظام چندحزبی تثبیت خواهد شد. در همین حال، این طرح جلوگیری از شکل‌گیری گروه‌های ضدسوسیالیستی را پیش‌بینی می‌کند. رهبری حزب سوسیالیست کارگران

ادامه اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در آفریقای جنوبی

در نتیجه ادامه اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در آفریقای جنوبی، رژیم آپارتاید ناگزیر از آزاد کردن ۵۰ تن دیگر از زندانیانی شد که بدون حکم دادگاه در زندان به سر می‌برند. اعتصاب غذای زندانیان سیاسی که بیش از یک ماه است آغاز شده است ادامه دارد. شمار اعتصابیون به ۲۲۵ نفر می‌رسد. ۳۰ تن از زندانیان، در هفته قبل آزاد شده بودند.

۲۰ تن از زندانیان سیاسی شرکت کننده، در اعتصاب غذا، در روز دوشنبه هفته گذشته به بیمارستان انتقال یافتند. به گزارش وکلای مدافع و بستگان زندانیان، اعتصابیون بر این عقیده‌اند که ادامه اعتصاب می‌تواند به آزادی همه آنها بیانجامد.

مجارستان همچنین ارزیابی جدید از رویدادهای ۱۹۵۶ این کشور را مورد تصویب قرار داد. به موجب این ارزیابی، قیام ۱۹۵۶ را نمی‌توان یک قیام ضدانقلابی نامید، بلکه این حرکت، یک جنبش توده‌ای برای کسب حقوق و آزادیهای بیشتر در نظام سوسیالیسم بوده است که بعداً توسط ضد انقلاب مورد سوء استفاده قرار گرفته است.

ملاقات وزرای خارجه شوروی و اسرائیل

برای نخستین بار پس از گذشت بیش از ۲۰ سال، وزرای خارجه شوروی و اسرائیل دیدار و گفتگو کردند. دیدار ادوارد شوارندادزه و موشه آرنز در قاهره انجام گرفت. بدنبال این ملاقات، خبرگزاری‌ها گزارش دادند که مواضع طرفین در مورد بحران خاور نزدیک همچنان متفاوت است و اختلافات، حل نشده است.

دیدار وزرای خارجه شوروی و اسرائیل، در چارچوب ابتکار صلح جدید اتحاد شوروی تحقق پذیرفت. شوارندادزه بدنبال سفر به دمشق و امان، و ملاقات با حافظ اسد و ملک حسین، به قاهره رفت و در پایتخت مصر با مقامات این کشور و نیز یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین نیز به گفتگو پرداخت. عرفات پس از این دیدار به اسرائیل پیشنهاد کرد که ساف و دولت اسرائیل در مسکو مذاکرات دو جانبه خود را آغاز کنند.

دولت اسرائیل همچنان در برابر مذاکره با سازمان آزادیبخش فلسطین مقاومت میکند. با این حال شوارندادزه پس از ملاقات با آرنز اعلام کرد که صرف انجام این دیدار، یک پیشرفت است.

از میان سایر رویدادها

* دولت لهستان اعلام کرد در "مذاکرات پشت میزگرد" با شرکت همه نیروهای سیاسی و اجتماعی این کشور، پیشرفتهایی حاصل شده است. سخنگوی دولت لهستان گفت توافق در مورد برگزاری انتخابات دمکراتیک، پلورالیسم سندیکایی و قانونی شدن مجدد اتحادیه همبستگی، قابل حصول تر شده است.

* عراق، مصر، اردن و یمن شمالی یک "بازار مشترک عربی تشکیل دادند. این دومین اتحادیه اقتصادی در جهان عرب است که در این ماه تشکیل می‌شود. پیش از این، لیبی، الجزایر، تونس، مراکش و موریتانی نیز اتحادیه مشابهی تشکیل دادند.

* جرج بوش رئیس جمهور آمریکا یک دیدار دوروزه از چین به عمل آورد. به گزارش خبرگزاری‌ها، دیدار قریب الوقوع رهبران چین و شوروی و مسائل افغانستان و کامبوج در دستور مذاکرات بوش در چین قرار داشت.

دردهمین سالگرد مبارزات شورایی زحمتکشان ترکمن صحرا

یاد تو ماج و هم زمان گرامی باد!

به صف راهپیمایی زحمتکشان ترکمن در گنبد (در روز ۱۹ بهمن)، رفته شدند. در سالگشت این ترور بیشرمانه، مقاله‌ای از نشریه کار (شماره ۶۰) را درج می‌کنیم که به‌طور فشرده چگونگی شکل‌گیری و کارکرد شوراهای زحمتکشان ترکمن صحرا را تشریح می‌کند؛ شوراهایی که برای پایه‌گذاری آنها رفقا تو ماج، مختوم، واحدی و جرجانی آن همه مبارزه کردند. بقیه در صفحه ۱۰

روز دوم اسفند ماه سال ۱۳۵۸ بود که مقامات رژیم جمهوری اسلامی خیر قتل چهار تن از رهبران خلق ترکمن را اعلام داشتند. شیرمحمد درخشنده تو ماج، عبدالحمید مختوم، طواق محمد واحدی و حسین جرجانی از پایه‌گذاران و هدایتگران شوراهای دهقانی ترکمن صحرا و از رهبران ستاد مرکزی شوراهای منطقه و کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن بودند. آنها یک روز پیش از حمله جانتیکاران پاسداران

اعلام وضع فوق العاده در افغانستان

سیاسی کمیته مرکزی ج. د. خ. ا. قرار گرفت تاکنون، محمدحسن شرقی، که یک شخصیت غیر حزبی است، نخست‌وزیری افغانستان را بر عهده داشت. علیرقم محول شدن وظایف جاری نخست‌وزیری به کشتمند، در کابل اعلام شد که ریاست کل شورای وزیران، بر عهده نجیب‌الله رئیس جمهور افغانستان خواهد بود. شورای امنیت سازمان ملل متحد، مذاکرات خود را در مورد شکایات مکرر دولت افغانستان درباره نقض قرارداد ژنو از سوی آمریکا و پاکستان، آغاز کرد. از هنگام امضای این قرارداد، دولت کابل ۲۱۳۲ مورد نقض آن را به گروه ناظران سازمان ملل متحد در افغانستان گزارش کرده است. طبق قرارداد ژنو، دولت پاکستان متعهد به عدم مداخله در امور افغانستان شده است. اما امضای این قرارداد مانع از ادامه بقیه در صفحه ۱۴

رهبری افغانستان، در این کشور وضع فوق العاده اعلام کرد. سخنگوی دولت افغانستان طی یک کنفرانس مطبوعاتی گفت این تصمیم به هلت تحریکات ضدانقلاب و ادامه تحویل اسلحه به اپوزیسیون از سوی پاکستان و آمریکا صورت گرفته است. به گفته این سخنگو، مشی ایالات متحده و پاکستان، تعدیدی علیه حاکمیت افغانستان است. تحت شرایط فوق العاده، حقوق و آزادیهای مصرح در قانون اساسی افغانستان می‌تواند موقتاً معوق گردد. همزمان با اعلام وضعیت فوق العاده، کابینه افغانستان نیز ترکیب دیگری یافت. از ۲۸ عضو کابینه، اکنون ۲۲ تن اعضای حزب دمکراتیک خلق افغانستان اند. پست ریاست کمیته اجرایی شورای وزیران، بر عهده سلطانعلی کشتمند، نخست‌وزیر اسبق افغانستان و عضو دفتر

رژیم فقها، خشن‌ترین شکل تبعیضات مذهبی را اعمال می‌کند

در دیدگی سرکردگان رژیم جمهوری اسلامی است؛ رژیمی که رسماً و علناً ایرانیان غیرمسلمان را تبعه درجه دوم و حتی بسیاری از آنان را سزاوار قتل می‌داند. از آنچه که جمهوری اسلامی برای ایرانیان غیرمسلمان و حتی غیر شیعه رواداشته است، کمتر کسی است که نمونه‌های بسیاری ندیده و یا نشنیده باشد. رژیم ولایت فقیه بر اساس باورهای قرون وسطایی و شریعات، انسانها را بر مبنای اعتقادات مذهبی دسته‌بندی می‌کند و نابرابر می‌شمارد، جز آن هم نمی‌توانست و نمی‌تواند بکند.

در روزهای شانزدهم و هفدهم بهمن ماه در هتل استقلال تهران از سوی ارگان‌های دولتی جمهوری اسلامی مراسمی برپا شد که عنوان آن «کنگره حقوق اقلیت‌های دینی در ایران» بود. سخنرانان این کنگره - که بسیاری از آنها از مقامات دولتی بودند - یک به یک پشت تریبون سخنرانی رفتند و از آن همه مواهبی که رژیم جمهوری اسلامی به ایرانیان غیرمسلمان اعطا کرده است، قدر دانی نمودند. آنها اعلام داشتند که در جمهوری اسلامی در پناه «اسلام ناب محمدی» پیروان دیگر فرق

شماره ۸۲۶۱۸
آیچ ۱۳۶۷ / ۱۸ / ۲۰
پرست

جمهوری اسلامی ایران
نخست‌وزیر
سید تقی

بختیار، به کلبه، باورخانه‌ها، سازمانها، نهادها، تانهای دولتی و سازمان‌ها را سرس کشید.

حاشا نه شنیده شده است که گاهی تبعیضات غیرمستقیم، اجتهادهای شخصی باعث گردیده که در برخی از مناطق و شهرها این اصل نادیده گرفته شود و در رأی‌گیری‌های حساس ادارات، مشی، با نتیجه برود افراد توتورالنه شده و با آنکه با نصیر برای خود از سیاست‌های دولت برهمن، رشن آن کرده‌اند، گزارشهای بریده، به اینچنانی حاکمیت که در برخی مناطق احسان اول حق تبعیض از بدترین در نهادها و ادارات متبع شنانده، بلکه حتی ناسف‌بارتر از آن اینکه، بجوی محصل آمان گرفته شده‌است.

در حسین موسوی
نخست‌وزیر
۹۷۱۸/۱۹

برای آوردن یک نمونه کلیشه بخشی از بخشنامه مورخه ۳۶ آبان ۶۷ نخست‌وزیری به مسئولین ارگانهای دولتی را در این صفحه می‌آوریم که طی آن نخست‌وزیر رژیم فقها به خشن‌ترین شکل اعمال تبعیض حتی علیه پیروان فرق مسلمان - تا حد ممانعت از تحصیل - اعتراف می‌کند. این سند خود به تنهایی گویاست که در رژیم جمهوری اسلامی علیه پیروان مذاهب دیگر چه تبعیضاتی اعمال می‌شود.

مذهبی از چنان حقوق گسترده‌ای برخوردارند که در هیچ جای جهان به گستردگی آن نیست. در پایان کنگره قطعنامه‌ای صادر شد که طی آن شرکت‌کنندگان مسیحی و کلمیمی و زرتشتی پیروی خود را از رهمندهای امام اعلام داشتند. برپایی نمایش «کنگره حقوق اقلیت‌ها...» در تهران برای اقلیت‌های مذهبی البته که هیچ بهره‌ای ندارد، اما چه نفس برپایی آن و چه لاطلاعاتی که در آن گفته شد، نشان دهنده اوج وقاحت و

| | |
|--|---|
| AKSARIYAT NO. 247 MONDAY, 27 FEB | آدرس: Address: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN W. GERMANY |
| حساب بانکی AUSTRIA . WIEN BAWAG (BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT) NR. 02910701.650 DR. GERTRAUD ARTNER | با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید |